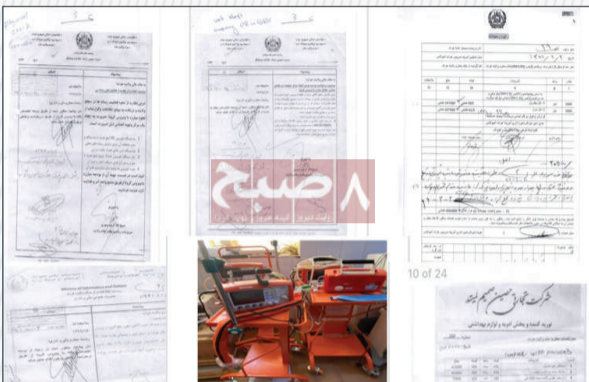


یافته‌های دیده‌بان شفافیت:

به ارزش دو میلیون افغانی مواد صحتی در هرات گم است



یافته‌های تازه دیده‌بان شفافیت افغانستان نشان می‌دهد که مقام‌های محلی در ولایت هرات هنگام خریداری اجناس مورد نیاز برای مهار کرونا در این ولایت، مرتکب فساد و حیفومیل گسترده شده‌اند. براساس این پژوهش، برخی مواد صحتی خریداری شده از بودجه ویژه کرونا در هرات که قیمت مجموعی آن بیش از «دو میلیون» افغانی می‌شود، نادرک است و معلوم نیست به کجا انتقال یافته است. افزون بر این، بررسی اسناد نشان می‌دهد که در بهای خریداری اجناس مورد نیاز برای مهار کرونا در هرات، میان قیمت خریداری اجناس و قیمت اصلی آن در بازار، تفاوت‌های زیادی وجود دارد و از این رهگذر نیز پول هنگفتی حیفومیل شده است. در پژوهش دیده‌بان شفافیت که توسط شبکه امانت‌داری هرات انجام شده، آمده که از بودجه ویژه مهار کرونا در هرات، ۱۰ پایه کمپیوتر، ۱۱ دستگاه تلویزیون و یک عدد کمره عکاسی، لنز و کارت حافظه...

۷

انستان اساسی قانون د تصویب اوولسپه کلیزی لمانخفونډې نه



۱۷ سال پس از تصویب وثیقه ملی؛

قانون اساسی نباید قربانی صلح شود

۳

روی کرد افراطی اسلامی؛ جهالت باستانی یا مبارزه حقانی؟

۴

روابط جهان با افغانستان؛ اشتباهات گذشته، فرصت‌های آینده

اکنون فرصت آن است که صفحه جدیدی در تاریخ جهان گشوده شود. تجربه کشتار و تروریسم، تجربه موفق و مفید برای جهان نبوده است و در آینده نیز نخواهد بود. مردم افغانستان یک آینده باثبات و عاری از جنگ را آرزو دارند و می‌خواهند این آرزو به واقعیت تبدیل شود.



دور دوم مذاکرات صلح؛ «توقف جنگ فضای بهتر را برای گفت‌وگو ایجاد می‌کند»



«مذاکره‌کنندگان با برخی چالش‌های عمده مواجه شدند و کارهای زیادی باقی مانده است، اما دو تیم در اولین مرحله تاریخی مذاکرات که در ماه سپتامبر آغاز شد، همکاری خوبی داشتند که به شکل تدریجی به پیش‌رفت واقعی انجامید.»
طبق اعلام یوناما، هیأت مذاکره‌کننده دولت و طالبان پیش از مرخصی ۲۰ روزه که به هدف مشورت روی دست گرفته شد، روی کارشویه توافق و پیش‌نویس آجندار را تبادل کردند. یوناما تأکید کرده است که در تماس نزدیک با هر دو طرف قرار دارد و در صورت لزوم آماده کمک است. هیأت مذاکره‌کننده دولت روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی به قطر رفت تا دور دوم مذاکرات با گروه طالبان را شروع کند. طالبان نیز برای شروع مذاکرات اعلام آماده‌گی کرده‌اند. دور اول مذاکرات در بیست‌ودوم سنبله آغاز شد و برای سه ماه ادامه یافت.

۸صبح، کابل: هم‌زمان با سفر هیأت مذاکره‌کننده دولت به دوحه، دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در کابل یا یوناما از دولت و طالبان خواسته است که برای کاهش خشونت‌ها کار کنند.
دیرا لاینز، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد برای افغانستان، گفته است: «من از هر دو طرف می‌خواهم که با استفاده از این فرصت زمینه را برای کاهش خشونت ایجاد کنند تا کشتار افغان‌ها خاتمه یافته و یک ثبات سیاسی به میان آید که برای همه‌ی اقشار جامعه افغانستان قابل قبول باشد.»
نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد تأکید کرده است که توقف جنگ فضای بهتر را برای گفت‌وگو ایجاد می‌کند، به مردم امید می‌بخشد و به کمک‌کننده‌گان بشردوستانه اجازه می‌دهد که مساعدت‌های ضروری زمستانی را به سراسر کشور برسانند.

تفنگ‌داران موتورسایکل سوار دو تن را در مرکز کاپیسا تیرباران کردند

۸صبح، پروان: مسوولان امنیتی در ولایت کاپیسا می‌گویند که تفنگ‌داران موتورسایکل سوار دو تن به شمول یک غیرنظامی را در مرکز این ولایت تیرباران کرده‌اند.
شایق شورش، مسوول مطبوعاتی فرماندهی پولیس کاپیسا به روزنامه ۸صبح گفت که این رویداد حوالی ساعت ۸:۳۰ دقیقه صبح روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی در ساحه «ده‌بایی» از مربوطات شهر محمودراقی، مرکز ولایت کاپیسا رخ داده است.
به گفته او، تفنگ‌داران موتورسایکل سوار بر یک تن از محافظان گل محمد، عضو شورای ولایتی کاپیسا گلوله‌باری کردند. آقای شورش گفت که در این رویداد، محافظ این عضو شورای ولایتی



همیشه واقعیت‌ها را در خلص سوانح تان ذکر و از هر نوع ادعای اغراق‌آمیز خودداری کنید. روزی یکی از هم‌کارانم قصه می‌کرد که یکی از نامزدان، سوانح جرمی خود را نیز در خلص سوانح خود ذکر کرده بود. سپس به مدیر استخدام زنگ زده و گفته بود، آیا کسی که سابقه جرمی دارد را نیز استخدام می‌کنید؟

۸

انقلاب مریشان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI
DEP: 10:00 AM Local Time
ARR: 01:00 PM Local Time

DELHI - KABUL
DEP: 02:30 PM Local Time
ARR: 03:30 PM Local Time

+93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333

#آریانا_از_شماست



لزوم توافق روی کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها در دور دوم مذاکرات

دور دوم مذاکرات صلح در حالی آغاز می‌شود که سطح خشونت‌ها در کشور کماکان بلند است. در کنار آن ترورهای هدفمند نیز در جریان است. با این وصف، توقع عمومی آن است که طرف‌های مذاکره در اولین اقدام روی کاهش خشونت‌ها توافق کنند؛ هرچند تاکنون نشانه‌ای از نیت طالبان برای کاهش این خشونت‌ها دیده نمی‌شود.

آتش‌بس موضوعی است که توافق روی آن با توجه به اختلاف عمیق دیدگاه بین دو طرف به‌زودی حاصل نخواهد شد. این موضوع در حالی که در رأس فهرست موضوعات پیشنهادی دولت برای بحث در دور دوم مذاکرات قرار دارد، در فهرست موضوعات پیشنهادی طالبان اما در قعر واقع شده است. قرار گرفتن این موضوع با این فاصله زیاد در فهرست‌های موضوعات پیشنهادی دو طرف، نشانه اختلاف عمیق دیدگاه بین هیأت‌های دولت و طالبان در این باره است. از این‌رو، توافق روی مسأله آتش‌بس، پیش از آن‌که روی موارد مهم دیگری توافق حاصل شود، به دست نخواهد آمد. موضوع کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها اما آن‌قدر پیچیده نیست که دو طرف نتوانند روی آن به توافق برسند. با آن‌هم به منظور حصول توافق روی این مسأله نیز نیاز به یک سلسله اقداماتی است که باید انجام شود. این نیاز را توافق نامه امریکا و طالبان و همین‌طور توافقات اخیر دولت‌های افغانستان و پاکستان به میان آورده است. دولت قبلا گفته بود که ملزم به رعایت توافق نامه امریکا و طالبان نیست؛ اما فعلا به حکم کارشویه مذاکرات که در دور نخست نهایی شد، انتخابی جز رعایت آن هم ندارد.

توافق نامه امریکا و طالبان حالا یکی از چهار رکن اصلی کارشویه مذاکرات است که می‌باید مذاکرات مطابق آن ادامه یابد. رکن دیگر این کارشویه، خواست مردم است. تعهد دو طرف به ادامه مذاکرات تا رسیدن به توافق جامع صلح و قطع نامه شورای امنیت در حمایت از اعلامیه مشترک کابل - واشنگتن و توافق نامه امریکا و طالبان، دو رکن مهم دیگر این کارشویه است. در صورتی که دور دوم مذاکرات بر پایه این چهار رکن استوار شود، می‌توان خوش‌بین بود که دو طرف روی کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها، قبل از توافق روی نظام سیاسی آینده، کارشویه تقسیم قدرت و آتش‌بس جامع و فراگیر، به توافق دست خواهند یافت.

طبق توافق نامه دوحه، طالبان باید پیش از توافق روی کاهش خشونت‌ها به دو هدف عمده خود، شامل رهایی هفت‌هزار زندانی باقی‌مانده در بند دولت و رفع کلیه تعزیرات بین‌المللی این گروه برسند. این دو موضوع به صورت صریح در توافق نامه امریکا و طالبان آمده است و هم‌زمان با شروع مذاکرات اصلی بین دولت و طالبان باید عملی شود. طالبان بارها گفته‌اند که اگر توافقات امریکا در برابر این گروه اجرایی نشود، پیش‌رفتی در مذاکرات بین‌افغانی نیز حاصل نخواهد شد. از این‌رو بعید است که طالبان پیش از رسیدن به این دو هدف، تن به خواست کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها بدهند. به‌ویژه آن‌که طالبان در توافق نامه دوحه هیچ‌گونه تعهدی هم در این زمینه نداده‌اند؛ اگر تعهدی هم در مورد کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها از سوی این گروه وجود داشته باشد، صرفا شفاهی و غیرمکتوب است. دولت‌های افغانستان و پاکستان در سفر عمران خان به کابل توافق کردند که اقداماتی را برای اعتمادسازی بین دو کشور و به نشانه حسن نیت، انجام دهند. محمدشرف غنی در نخستین اقدام برای این هدف، فرمان رهایی بخشی از زندانیان پاکستانی را صادر کرد. این فرمان اما تاکنون به دلایل نامعلومی عملی نشده است. در مقابل محتمل‌ترین اقدام از سوی پاکستان آن بود که جانب طالبان را در ازای رهایی زندانیان خود از بند دولت افغانستان به پذیرش طرح کاهش خشونت‌ها قانع کند. کما این‌که موضوع کاهش خشونت‌ها یکی از برجسته‌ترین موضوعاتی بود که در سفر هیأت طالبان به پاکستان، بین مقامات دو طرف مورد بحث قرار گرفت. بنابراین، موضوع کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها به این مسأله نیز پیوند دارد و پاکستان و طالبان برای تصمیم‌گیری در این باره چشم به راه اجرای فرمان غنی نیز هستند.

طبق رکن «خواست مردم» در کارشویه مذاکرات، پیشنهاد هیأت دولت به طالبان، آتش‌بس جامع است. این هدف با توجه به این‌که در توافق نامه دوحه مابعد توافق روی نقشه سیاسی آینده افغانستان قرار دارد و به دلیل دیدگاه متفاوت طالبان نسبت به این موضوع، فورا به دست نخواهد آمد. بنابراین و با توجه به تعهد طالبان به تمکین به اصل خواست مردم، پیش‌بینی می‌شود که این گروه تنها به کاهش خشونت‌ها راضی خواهد شد. البته با این شرط که گام‌های دیگری که فوفا از آن یاد شد، مطابق توافق نامه امریکا و طالبان برداشته شود.

تأکید هیأت دولت روی گزینه آتش‌بس جامع، یک اقدام نیک است. با این وصف، بعید است که هیأت مذکور بتواند در اولین اقدام به این هدف برسد. بهتر است که هیأت مذاکره‌کننده دولت روی گزینه کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها بیشتر توجه و مسایل مرتبط با آن را به صورت درست پی‌گیری و دنبال کند. کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها نیز یک دست‌آورد بزرگ است. این کار ضمن آن‌که به اعتمادسازی بین دو طرف کمک خواهد کرد، دو طرف را به ادامه مذاکرات نیز متعهد نگه خواهد داشت. از آن‌جا که یکی از ارکان کارشویه مذاکرات، تعهد دو طرف به صلح است، عملی‌ترین طرح برای اثبات این تعهد، مسأله کاهش خشونت‌ها است. هرگاه دو طرف بتوانند در این زمینه به توافق برسند، مراحل بعدی مذاکرات نیز آرام آرام طی خواهد شد. انتظار این‌که هیأت‌های دو طرف به یک‌باره گی و بدون برداشتن گام‌های مقدماتی، روی آتش‌بس توافق کنند، یک انتظار غیرعملی است. معنای این سخن هرگز آن نیست که داشتن انتظار از دولت و طالبان برای توافق روی آتش‌بس جامع و فراگیر، یک انتظار نادرست است. مسأله آن است که این انتظار به همان اندازه که درست و به حق است، در حال حاضر و بدون پیش‌رفت مذاکرات، غیرعملی نیز است. بنابراین، اگر هیأت‌های مذاکره‌کننده در دور دوم مذاکرات بتوانند روی کاهش قابل ملاحظه خشونت‌ها به منظور ادامه مذاکرات به توافق برسند، در واقع به یک هدف بزرگ دست یافته‌اند.

دیدار عبدالله با خلیل زاد؛ افزایش خشونت‌ها و ترورهای هدفمند پذیرفتنی نیست



۸صبح، کابل: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی پیش از چاشت روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی با زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در کاخ سپیدار دیدار کرد. در این دیدار راس ویلسون، کاردار سفارت امریکا در کابل و اسکات میلر، فرمانده نیروهای حمایت قاطع در افغانستان، نیز حضور داشته‌اند.

طبق اعلام سپیدار، عبدالله عبدالله در این دیدار افزایش خشونت‌ها و قتل‌های هدفمند را در کشور غیرقابل قبول خوانده و بر آتش‌بس دائمی برای دست‌یافتن به صلح پایدار تأکید کرده است.

رییس شورای عالی مصالحه ملی هم‌چنان از حمایت و همکاری‌های ایالات متحده امریکا و تلاش‌های این کشور در راستای صلح قدرانی کرده است.

عبدالله عبدالله پیش‌رفت‌ها در مذاکرات صلح را رضایت‌بخش خوانده و گفته است دور دوم مذاکرات میان دو طرف آغاز می‌شود و هیأت جمهوری اسلامی افغانستان برای شروع مذاکرات با حمایت قاطع نظام به دوحه رفته است.

رییس شورای عالی مصالحه ملی گفته است که جمهوری اسلامی افغانستان برای دست‌یافتن به صلح متعهد است و تلاش می‌کند از فرصت ایجاد شده برای دست‌یابی به صلح دائمی و ثبات در کشور استفاده کند.

در این دیدار، نماینده ویژه ایالات متحده امریکا

بامیان:

زنی که نزد شوهرش زندانی بود، پس از نوشیدن تیزاب به شفاخانه منتقل شد



۸صبح، بامیان: یک زن جوان در ولایت بامیان پس از نوشیدن تیزاب به دلیل خشونت‌های دوامدار خانواده‌گی، روز دوشنبه، شانزدهم جدی، توسط پدرش به شفاخانه‌ی حوزه‌های بامیان انتقال داده شده است.

این زن که باشنده‌ی فعلی ولسوالی کهمرد بامیان است، حدود ۱۸ سال سن دارد و به گفته‌ی خودش، در ۱۲ ساله‌گی با مردی نامزد شد و شش سال بعد ازدواج کرد که حالا «ریشش سفید» است.

پدر این زن نیز در صحبت با روزنامه ۸صبح تأیید کرد که شوهر دخترش حالا بیش‌تر از ۴۰ سال سن دارد و از حتا از خود او نیز بزرگ‌تر است.

این زن که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸صبح گفت پیوسته از سوی شوهرش مورد خشونت فیزیکی قرار می‌گرفت و او ناچار شد با خوردن تیزاب، به زنده‌گی‌اش پایان دهد و خود را از جنجال‌های زنده‌گی برای همیشه راحت کند.

او هم‌چنان می‌گوید حالا هیچ چیزی از دولت و خانواده‌اش نمی‌خواهد؛ فقط خواستار طلاق و جدایی از شوهر پیرش است.

هیأت مذاکره‌کننده دولت برای از سرگیری مذاکرات با طالبان راهی قطر شد



۸صبح، کابل: هیأت مذاکره‌کننده دولت برای شرکت در دور دوم مذاکرات بین‌افغانی با گروه طالبان صبح روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی راهی دوحه، پایتخت قطر شد.

نادر نادری، سخنگوی این هیأت در توییتی نوشته است که هیأت مذاکرات صلح جمهوری اسلامی افغانستان پس از سه هفته مشورت با رهبری دولت، اعضای شورای عالی مصالحه ملی، روسا و اعضا شورای ملی کشور، فعالان سیاسی و مدنی، عالمان دین و دیگر اقشار کشور - در کابل و ولایات - برای از سرگیری مذاکرات صلح کابل را به قصد دوحه ترک کرد.

به گفته نادری، هیأت مذاکره‌کننده دولت از نظریات و راهنمایی‌های لازم برای آغاز موفقانه دور دوم مذاکرات صلح برخوردار شده و آماده است تا به منظور تأمین صلح سراسری در کشور گفت‌وگوها را از سر گیرد. نادری افزوده است که در جریان مشورت‌ها معلوم شد که آتش‌بس نخستین خواست مردم ما است.

گفتنی است که هیأت مذاکره‌کننده دولت رهنمود مذاکرات را روز دوشنبه، شانزدهم جدی از کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی دریافت کرد.

فریدون خوزون، سخنگوی این شورا به روزنامه ۸صبح گفت که این رهنمود چارچوب پیشبرد مذاکره را تعیین کرده و به هیأت صلاحیت داده است که در مورد تهیه اجندای مذاکرات صلح بین‌افغانی با طالبان گفت‌وگو کند.

قرار بود نشست کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی به گونه زنده پوشش یابد؛ اما به گفته منابع نزدیک به هیأت مذاکره‌کننده، تأکید ارگ ریاست جمهوری بر حذف خالد نور و غیرت بهیر از ترکیب هیأت سبب شد که این نشست به گونه سری پیگیری شود. منابع در ادامه تصریح کردند که این موضوع پس از گفت‌وگوها حل شده است و خالد نور یک‌جا با هیأت به دوحه سفر خواهد کرد.

غیرت بهیر، نماینده گلبدین حکمتیار در هیأت مذاکره‌کننده پیش‌تر از سفر به دوحه انصراف داده بود.

دفتر سیاسی طالبان در قطر پیش از این به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که اعضای هیأت این گروه برای از سرگیری مذاکرات آماده‌اند و در دوحه حضور دارند.

هفت بیمار کرونایی در شبانه‌روز گذشته در کشور جان باختند

۸صبح، کابل: وزارت صحت عامه اعلام کرد که در شبانه‌روز گذشته هفت بیمار کرونایی در کشور جان باخته‌اند.

طبق اعلام این وزارت، در شبانه‌روز گذشته ۹۴ بیمار جدید کرونایی در کشور شناسایی شده‌اند.

این نتیجه از آزمایش یک هزار و ۸۲۰ نمونه‌ی مشکوک به کرونا به دست آمده است.

هم‌چنان ۱۳۶ تن در شبانه‌روز گذشته پس از ابتلا به کرونا صحت‌یاب شده‌اند.

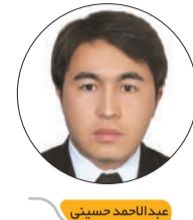
با ثبت ارقام جدید، ۵۳ هزار و ۱۰۵ تن تاکنون در کشور به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند.

هم‌چنان دو هزار و ۲۴۴ تن تاکنون بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان باخته‌اند و ۴۲ هزار و ۶۶۶ هزار نفر دیگر پس از ابتلا به ویروس کرونا صحت‌یاب شده‌اند.

طبق اعلام وزارت صحت عامه، هفت هزار و ۵۳۰ تن از بیماران کرونایی در کشور فعال هستند.

۱۷ سال پس از تصویب وثیقه ملی؛

قانون اساسی نباید قربانی صلح شود



عبدالحمید حسینی

**کمیسیون مستقل نظارت بر
تطبيق قانون اساسی روز
سه‌شنبه، شانزدهم جدی، از
هفدهمین سال‌گرد قانون اساسی
بزرگداشت کرد. در این مراسم،
سرور دانش، معاون دوم رییس
جمهور، گفت که قانون اساسی
«مظهر» و «سمبول» هویت اسلامی
شهروندان کشور است. او تأکید
کرد که هیچ ماده‌ای از ۱۶۲
ماده این قانون نه تنها با اسلام
مغایرت ندارد، بلکه تضمین‌کننده
«اسلامیت نظام» و «اسلامیت
کشور» است.**

از تصویب قانون اساسی کشور ۱۷ سال می‌گذرد، اکنون اما برخی از مقام‌های حکومتی نگران‌اند که مبدا این قانون در مذاکرات صلح بین‌افغانی قربانی شود. مقام‌های حکومتی در هفدهمین سال‌گرد قانونی اساسی، این قانون را مظهر و نشانه هویت اسلامی شهروندان خواندند و ادعای غیراسلامی بودن آن توسط گروه طالبان و هر گروه دیگر را ادعای بی‌اساس و بی‌بنیاد دانستند. این مقام‌ها با اشاره به دور دوم مذاکرات صلح، افزودند که قانون اساسی نباید قربانی صلح شود و این روند نباید بنیاد و ساختار اصلی و مشروعیت قانون اساسی را متلاشی کند. این در حالی است که هیأت مذاکره‌کننده دولت صبح روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی، برای شروع دور دوم مذاکرات صلح وارد دوحه، پایتخت قطر شد. در این دور مذاکرات، قرار است روی موضوعات مهم بحث و تبادل نظر شود. پیش از این برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت گفته بودند که در دور دوم مذاکرات، بحث روی تقسیم قدرت و نوعیت نظام است.

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی، از هفدهمین سال‌گرد قانون اساسی بزرگداشت کرد. در این مراسم، سرور دانش، معاون دوم رییس جمهور، گفت که قانون اساسی «مظهر» و «سمبول» هویت اسلامی شهروندان کشور است. او تأکید کرد که هیچ ماده‌ای از ۱۶۲ ماده این قانون نه تنها با اسلام مغایرت ندارد، بلکه تضمین‌کننده «اسلامیت نظام» و «اسلامیت کشور» است. دانش ادعای غیراسلامی بودن قانون اساسی توسط گروه طالبان و هر گروه دیگری را در این مورد، ادعای بی‌اساس و بی‌دلیل خواند و گفت که این قانون با ارزش‌های اسلامی آن در لویه‌جرگه تصویب قانون اساسی توسط شمار زیادی از علما و رهبران جهادی تأیید شده است.

با این حال، معاون دوم رییس جمهور تأکید کرد که این قانون به گونه ۱۰۰ درصدی اسلامی است و مطابق با ارزش‌های دینی و ملی و در عین حال ارزش‌های قبول شده جامعه بین‌المللی ترتیب شده است. او گفت: «کسانی که درباره قانون اسلامی از این زاویه سوال ایجاد می‌کنند، یا مغرض هستند و اجندهای شوم دیگر دارند و یا این‌که از قانون اساسی افغانستان بی‌خبر اند و آگاهی ندارند.» در عین حال وی به دور دوم مذاکرات صلح اشاره کرد و گفت که قانون اساسی نباید در این گفت‌وگوها قربانی شود. آقای دانش تأکید کرد که صلح نباید بنیاد و ساختار اصلی و مشروعیت قانون اساسی را متلاشی کند. او توضیح داد که قانون اساسی

از چنان ظرفیتی برخوردار است که هر نوع طرح صلح و تحول سیاسی را برمی‌تابد. به گفته او، هدف طالبان و حامیان‌شان از نفی قانون اساسی، فروپاشی نظام است. او گفت که بدون قانون اساسی، هیچ نظم سیاسی و حقوقی ثابت و مورد قبول همه نخواهیم داشت.

دانش هم‌چنان با طرح اداره موقت مخالفت کرد و گفت که اداره موقت به معنای «گسست و فروپاشی» است و «لغو قانون اساسی» را در پی دارد. او گفت: «اداره موقت برخلاف تصور ساده‌لوحانه برخی از افراد، به معنای جایه‌جایی یک شخص یا اشخاص نیست، بلکه بدین معنا است که همه نظام و دولت با همه قوای سه‌گانه و نظم حقوقی آن کنار گذاشته می‌شود و روند دولت‌سازی و نظام‌سازی از نو آغاز می‌شود. بنابراین، تداوم نظام و حفظ چارچوب و ارزش‌های قانون اساسی، یک ضرورت بوده و لغو آن بر ضد منافع ملی و باعث بی‌ثباتی کشور می‌شود.» این در حالی است که گروه طالبان و برخی چهره‌های سیاسی در کشور، اداره موقت را یگانه راه رسیدن به صلح دانسته‌اند. پیش از این، گلبدین حکمتیار پس از برگشت از اسلام‌آباد گفته بود که طالبان حکومت کنونی را نمی‌خواهند و اداره موقت یگانه راه رسیدن به صلح است.

از سوی هم معاون دوم ریاست جمهوری بیان کرد که دفاع از نظام به معنای دفاع از حکومت، شخص و اشخاص نیست. او گفت، این یک تصور نادرستی است که برخی گاهی مطرح می‌کنند که گویا حکومت و یا شخص رییس جمهور به خاطر حفظ قدرت خود، مخالف صلح و یا تسریع روند صلح است. وی تصریح کرد که همه مقام‌های حکومتی، به ویژه رییس جمهور، بیش از هر کس دیگر برای رسیدن صلح با عزت و عادلانه تلاش کرده است. او اما واضح ساخت که حکومت کنونی از جمهوریت دست برداشته و برنمی‌دارد. افزون بر این، آقای دانش اظهار داشت، در صورتی که منظور از نظام، اشخاص و فرد باشد، همه مقام‌های حکومتی در کنار رییس جمهور حاضر اند هر نوع فداکاری و قربانی را انجام دهند. او گفت، اگر گروه طالبان تداوم نظام، قانون اساسی، انتخابات و دست‌آوردهای ۲۰ سال گذشته را بپذیرند، حکومت از همان لحظه با آغوش باز از هر مکانیزم مورد توافق برای مشارکت عادلانه همه جوانب استقبال می‌کند و برای تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نخواهد ورزید. معاون دوم رییس جمهور اما افزود، اگر بنا باشد که جمهوریت، قانون اساسی، حقوق شهروندی و حاکمیت مردم قربانی «امارت» و یا «هر نظام دیکتاتوری» دیگر شود، هرگز آن را نمی‌پذیرند. او گفت: «هرگز پیمانی را که سند ذلت مردم افغانستان باشد، جنگ، خشونت و ستم‌سالاری را به گونه دیگر و نام دیگر تداوم ببخشند، تأیید نخواهیم کرد.»

از طرف دیگر، سرور دانش در رابطه به قانون اساسی افغانستان گفت که با گذشت ۱۷ سال، این قانون نیاز به تعدیل دارد. او گفت کاستی‌هایی در قانون اساسی وجود دارد که حتا بدون مسأله صلح هم باید روزی تعدیل شود. آقای دانش به عنوان نمونه

به ماده ۱۵۷ قانون اساسی که مربوط کمیسیون مستقل نظارت بر قانون اساسی است و ماده ۱۲۱ که مربوط به صلاحیت‌های استرته محکمه می‌باشد، اشاره کرد و گفت که در این دو مورد ابهامات وجود دارد. به گفته او، این نواقص باعث مشکلات و بروز کش‌مکش بین قوای سه‌گانه دولت شده است و باید روزی تعدیل شود.

عبدالله شفايي، سرپرست و عضو کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی، در این نشست گفت، به رغم این‌که کمیسیون به منظور صیانت از اجرای قانون اساسی تاسیس شده، اما دست‌آوردی نداشته است. او دلیل آن را عدم صلاحیت این کمیسیون عنوان کرد و گفت: «یکی از مشکلات قانون اساسی، قانون فعلی کمیسیون است که صلاحیت مهم آن در آغاز تصویب، توسط قویه قضاییه لغو شده است.» به گفته او، آن‌چه از کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی باقی مانده، کمیسیون را به یک نهاد فاقد صلاحیت معرفی کرده است. آقای شفايي افزود که تفسیر قانون اساسی از صلاحیت‌های اساسی و کلیدی این کمیسیون است و صلب این صلاحیت کمیسیون را در وضعیتی قرار می‌دهد که شایسته حافظ قانون اساسی نیست. این در حالی است که چندی پیش کابینه طرحی را به تصویب رساند که تفسیر قانون اساسی را در انحصار دادگاه عالی درآورده است.

از سوی دیگر وزارت عدلیه می‌گوید که در ماده‌های قانون اساسی کشور تناقض‌هایی وجود دارد که سبب بروز بعضی مشکلات میان نهادها شده است. فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه، در این نشست بیان کرد که هنوز مرجع تفسیرکننده قانون اساسی مشخص نیست. به گفته او، هر چند کمیسیون نظارت بر تطبيق قانون اساسی مدعی است که تفسیر قانون اساسی از صلاحیت‌های این نهاد است، اما در ماده ۱۵۷ قانون اساسی تصریح نشده است. در ماده ۱۵۷ قانون اساسی آمده است: «کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد. اعضای این کمیسیون از طرف رییس جمهور به تأیید ولسی‌جرگه تعیین می‌شود.»

گفتنی است که قانون اساسی افغانستان در سال ۱۳۸۲ تصویب شد و به گفته شماری از قانون‌گذاران به عنوان «بهترین قانون در سطح منطقه» شمرده می‌شود. این قانون با استفاده از تجارب برخی از کشورها تهیه شده است. با این حال جنجال میان قوه اجرائیه و قوه مقننه بر سر استیضاح وزیر امور خارجه در سال ۱۳۸۶ سبب شد که نیازها به ایجاد یک نهاد نظارت‌کننده از این قانون بیش‌تر شود. پس از گفت‌وگوها، «کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی» ایجاد شد. این کمیسیون براساس ماده ۱۵۷ قانون اساسی و احکام مواد هشتم و نهم قانون این کمیسیون، وظیفه نظارت از رعایت و تطبيق قانون اساسی توسط رییس جمهور، حکومت، شورای ملی، قوه قضاییه، اداره‌ها، موسسه‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، ارایه مشوره‌های حقوقی به رییس جمهور و شورای ملی

و ابراز نظر حقوقی در مورد مسایل ناشی از احکام قانون اساسی به مقامات عالی را برعهده دارد. در اوایل عقرب سال روان، حکومت هنگام تهیه طرح قانون بررسی تطابق اسناد تقنینی با قانون اساسی و تفسیر آن، تصریح کرد که بررسی مطابقت قوانین، فرمان‌های تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آن‌ها براساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت‌های دادگاه عالی است. اعضای کمیسیون مستقل نظارت بر تطبيق قانون اساسی اما بر این تصمیم اعتراض کردند و گفتند که حکومت نسبت به این کمیسیون کم‌لطفی کرده و صلاحیت تفسیر قانون اساسی را برخلاف قانون به دادگاه عالی محول کرده است.

مذاکرات صلح و بیم از دست رفتن ارزش‌ها
هم‌زمان با گرمی‌داشت از هفدهمین سال‌روز قانون اساسی، هیأت‌های مذاکره‌کننده دولت و طالبان مذاکرات صلح بین‌افغانی را در قطر از سر گرفتند. منابع در هیأت مذاکره‌کننده تصریح کردند که هیأت دولت روز سه‌شنبه، شانزدهم جدی، به دوحه رسید و گفت‌وگوها با طالبان را اواخر روز آغاز خواهد کرد. با این حال، برگزاری نشست و جزئیات اولین دیدار هیأت‌های دو طرف پس از آغاز دور دوم تا زمان تکمیل این گزارش همه‌گانی نشده بود. قرار است دو طرف در این دور روی تهیه اجندای مذاکرات صلح بین‌افغانی بحث و گفت‌وگو کنند. پیش‌تر برخی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت تصریح کردند که در دور دوم مذاکرات، بیش‌تر بحث روی تقسیم قدرت است. این صحبت حفیظ منصور، عضو هیأت مذاکره‌کننده دولت، سبب شد که نگرانی‌ها در مورد جایگاه نظام جمهوری و قانون اساسی بیش‌تر شود.

این در حالی است که پیش‌تر لویه‌جرگه مشورتی صلح بر حفظ نظام جمهوریت و قانون اساسی تأکید کرده بود. حکومت نیز بارها تصریح کرده است که از ارزش‌های دو دهه اخیر، به ویژه نظام جمهوری و قانون اساسی زیر هر شرایطی محافظت می‌کند. خواست مردم نیز به عنوان یکی از مبنای پیش‌برد مذاکرات تعیین شده است. افزون بر این، کمیته رهبری شورای عالی مصالحه ملی در جریان روزهای گذشته رهنمود مذاکرات را برای هیأت تعیین کرد و در آن بیش‌تر موارد، از جمله حدود صلاحیت هیأت مذاکره‌کننده دولت تعیین شده است.

مذاکرات صلح بین‌افغانی در بیست‌ودوم سنبله در دوحه گشایش یافت. دو طرف در دور اول مذاکرات تنها توانستند کارشویه مذاکرات را نهایی کنند. به نظر می‌رسد که دور دوم مذاکرات با توجه به اختلاف در اجندای دو طرف، زمان‌بر باشد. پیش‌تر طالبان بر «نظام اسلامی»، «معارف اسلامی» و برخی دیگر از موارد در اجندای پیشنهادی‌شان برای مذاکرات تأکید کرده‌اند. حکومت اما اصرار دارد که پیش از بحث روی چگونه‌گی نظام آینده، باید آتش‌بس سراسری و پایدار در کشور برقرار شود.

◆ حمید فرهادی، روزنامه‌نگار

هیأت مذاکره‌کننده افغانستان روز گذشته، افغانستان را به قصد دوحه، پایتخت قطر ترک کرد و قرار است طی روزهای آینده، دور دوم مذاکرات صلح میان هیأت دولت و گروه طالبان آغاز شود. مرحله دوم، یعنی مرحله سرنوشت‌ساز افغانستان که در آن یا گفت‌وگوها به نتیجه می‌رسد و به جنگ طولانی کشور پایان داده می‌شود و یا جنگ افغانستان وارد فاز جدید و جدی‌تر می‌گردد. آن‌چه در این روند، موضوع جانبی اما تعیین‌کننده است، نقش مستقیم و غیرمستقیم کشورهای منطقه در ارتباط به صلح و جنگ افغانستان است.

افغانستان در چندین دهه گذشته، میدان لشکرکشی و رقابت‌های ناسالم کشورهای منطقه و جهان بوده است. از بریتانیا، آمریکا و روسیه تا چین، ایران، هند و پاکستان، هرکدام بخت خویش را در خاک افغانستان آزموده و بقای خود را در لقای افغانستان جست‌وجو کرده‌اند. در گذشته بریتانیا، سپس روسیه و اینک آمریکا و کشورهای عضو ناتو به صورت مستقیم در امور افغانستان دخیل بوده‌اند. هم‌زمان با این، دیگر کشورهای منطقه و جهان نیز کماکان نقش غیرمستقیم در امور افغانستان داشته‌اند. این‌که چرا کشورهای منطقه و جهان علاقه وافر برای سهم‌بودن در امور افغانستان دارند، از حیثه این بحث خارج است. اما آن‌چه که امروز هم‌زمان با گفت‌وگوهای صلح افغانستان مطرح است، امیدواری برای گشودن فصل جدید هم‌کاری و پایان‌دادن به نقش ناسالم و مخرب در افغانستان است. افغانستان در امور هیچ کشوری دخالت ندارد و انتظار دارد که بازی‌گران منطقه و جهان نیز از دخالت غیرموجه در امور این کشور دست بردارند.

هم‌زمان با شروع مذاکرات میان هیأت دولت و گروه طالبان، رییس شورای عالی مصالحه ملی سفرهای منطقه‌ای را به منظور جلب حمایت از روند صلح آغاز کرد. این سفرها در واقع یک پیام واضح از آدرس دولت و مردم افغانستان است و آن این‌که ما به رغم تجربه تلخ گذشته، برای آینده خوب و روابط سازنده امیدواریم. البته این به معنای فراموشی آن‌چه که در گذشته در قبال افغانستان صورت گرفته است، نیست؛ بلکه حسن نیتی است که مردم افغانستان در آستانه توافق صلح با طالبان از خویش به نمایش گذاشته‌اند.

مردم افغانستان می‌دانند که پاکستان، ایران، هند و چین، هرکدام در مقطعی از زمان به هم‌کاری و تباری با گروه طالبان متهم شده‌اند. مقام‌های پاکستانی دیگر نمی‌توانند، انکار کنند که آن‌ها در طول بیست سال گذشته طالبان را حمایت لوژستیک و تسلیحاتی و زخمیان این گروه را تداوی نکرده‌اند. مرگ‌بارترین حملات تروریستی در افغانستان از خاک پاکستان سازمان‌دهی شده است و مقام‌های ارشد طالبان در

روابط جهان با افغانستان؛

اشتباهات گذشته، فرصت‌های آینده

نیت امریکا در روند صلح افغانستان با شک و تردید نگاه می‌کنند.

آن‌چه که هدف یادآوری این موارد تاریخی عنوان می‌شود، گذشتن از تجربه بد گذشته و گشودن فصل جدیدی از هم‌کاری و تباری با افغانستان است. مردم افغانستان همیشه طرفدار روابط حسنه با کشورهای همسایه، منطقه و جهان بوده‌اند. افغانستان هیچ‌گاهی نقش مخرب در امور کشورهای دیگر نداشته و چنین قصدی را نیز در آینده ندارد. اما در عوض، این پتانسیل در افغانستان وجود دارد که نقش مهم در اقتصاد و ترانزیت منطقه بازی کند و راه یک آینده مرفه را هموار سازد. پاکستان، ایران، هند، تاجیکستان، ترکمنستان، اوزبیکستان و همه کشورها بدانند که رشد تجارت و ترانزیت از راه افغانستان می‌گذرد و این کشور می‌تواند روابط تجارتي آسیای میانه را با آسیای جنوبی تضمین کند. اما چنین چیزی با وجود تروریسم امکان‌پذیر نیست.

کشورهای همسایه می‌دانند که افغانستان ظرفیت بالقوه برای تولید و انتقال انرژی دارد و از تجارب موفق غرب می‌توان برای بهبود صنعت و تجارت در آسیای مرکزی و کشورهای شرقی نیز کار گرفت. نسل جدید افغانستان مسلط به زبان علم و تکنولوژی است؛ می‌توان به جای رقابت سلاح، رقابت دانش، فلسفه و تکنولوژی را میان نسل جدید راه‌اندازی کرد. جوانان افغانستان استعداد بی‌نظیر در ورزش دارند و می‌توانند از راه رقابت سالم، جوانان کشورهای منطقه و حتی جهان را به چالش بکشند. آنان می‌توانند به جای رقابت مسلحانه، نسل‌های دیگر کشورها را به رقابت‌های ورزشی دعوت کنند. افغانستان با کشورهای همسایه فرهنگ و مشترکات زیادی دارد؛ از شعر، ادب و عرفان تا زبان و رسوم مشترک که همه به یک ریشه محکم تاریخی - فرهنگی گره خورده است. مردم افغانستان طرفدار حفظ و تقویت این رسوم هستند و هرگز

خاک پاکستان حضور دارند. ایران نیز در مواردی از طالبان به عنوان ابزار فشار بر امریکا در خاک افغانستان کار گرفته است؛ فرماندهان نظامی طالبان که از سوی نیروهای دولتی افغانستان بازداشت شدند، اعتراف کردند که آن‌ها به حمایت ایران در مناطق غربی افغانستان می‌جنگند. حتی گفته‌هایی وجود دارد که طالبان در بعضی مناطق این کشور بودباش دارند. مقام‌های طالبان چندین بار به ایران سفر کرده و با مقام‌های آن کشور دیدار و گفت‌وگو داشته‌اند. هندوستان و چین نیز هرازگاهی جنگ نیابتی و اقتصادی‌شان را در خاک افغانستان دنبال کرده‌اند.

بحث رقابت سیاسی امریکا و روسیه نیز تأثیر بسیار مستقیم بر اوضاع جاری افغانستان داشته است. حمایت اتحاد جماهیر شوروی از نیروهای ویتنام شمالی که منجر به شکست تاریخی امریکا از خاک آن کشور در سال ۱۹۷۵ شد، سپس حمایت امریکا از مجاهدین افغانستان که خروج شوروی را در سال ۱۹۸۹ از افغانستان رقم زد؛ اینک با حمایت روسیه از طالبان برای شکست امریکا در افغانستان ادامه پیدا می‌کند. پیش از این، بارها مقام‌های امریکایی به شمول فرمانده مرکزی ارتش امریکا و شماری از چهره‌های سیاسی افغانستان، روسیه را به حمایت مالی و فراهم‌سازی تجهیزات جنگی به طالبان، متهم کرده‌اند. هرچند مقام‌های روسی حمایت از گروه طالبان را انکار کرده‌اند، اما فرماندهان ارشد خارجی بارها به نفوذ روسیه بر شورشیان طالبان گواهی داده‌اند. امریکا نیز متأسفانه در مواردی در امر مبارزه با تروریسم در کشور صادق نبوده است. هنوز هم این سوال جدی در اذهان عامه وجود دارد که ایالات متحده در حالی که توانست در حدود دو ماه حاکمیت طالبان را شکست دهد، چرا در بیست سال گذشته نتوانست جلو رشد این گروه را بگیرد؟ واقعیت این است که مردم افغانستان به حسن



روی‌کرد افراطی اسلامی؛

جهالت باستانی یا مبارزه حقانی؟

یکی از مشکلات اساسی در مدارس، شرایط زیستی عقب‌مانده‌ای است که حقیقتاً جای توجه و نگرانی جدی را دارد. نخست از همه باید به این نکته توجه نمود که مدارس و مجامع دینی را بیش‌تر جوانانی از طبقه غریب و نادار جامعه پر کرده و اینان تا سنین جوانی در یک حالت وخیم محرومیت زیسته‌اند.

از کتاب‌هایی مانند قوم‌شناسی سیاسی رولان برتون تا نوشته‌های مورخان و گونه‌شناسی و معرفت‌شناسی تاریخی انسان در نوشته‌های کسانی چون احراری، وقتی به گذشته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که انسان‌ها بیش‌تر در حالت نزاع و تعرض بر جان یک‌دیگر بوده‌اند. قبایل در زیست اولیه خویش پیوسته در حال جنگ و کشمکش بوده‌اند و به نابودسازی هم‌دیگر برای بقای خویش می‌کوشیدند. آن‌ها اصولاً نه به خاطر این‌که از روی رقابت و قیاس زور و قوت خود با دیگری می‌جنگیدند، بلکه معتقد بودند پیش از این‌که قبيله دیگری بر آن‌ها بشورد، باید خودشان دست به کنش پیش‌گیرانه بزنند و بر آن قبيله بنازند. وقتی تاریخ ادیان را مرور می‌کنیم، می‌بینیم عین خاصیت و روی‌کرد در مذاهب و ادیان باستانی نیز وجود دارد و همیشه چون در دستورهای دینی‌شان امر به تعرض و کشتار شده است، پس پاک‌سازی دیگران و تاختن به دیگری را حق خویش و نیز تکلیف خویش می‌دانستند. متون اساسی اسلام اگرچه باظرفیت است، اما دیده می‌شود که حکم کفر و الحاد و برخورد با دشمن در این متون نقش بارز دارد. اما باز هم تأکید کنم که این روی‌کرد اسلام دو دلیل اساسی دارد: یک، انسان نزدیک به پانزده سده پیش، تقریباً همان انسان باستانی است، زیرا نه علم رشد کرده است، نه سواد کافی وجود دارد و نه روابط اجتماعی کافی و همه‌جانبه. پس کشورها، ادیان، مذاهب و قبایل در اکثر نقاط جهان بیش‌تر

زنده‌گی در حال تجرد و به دور از تعاملات نوع امروزی داشتند. دوم، ظاهر دستوره‌های دینی ما بیش‌تر ربط به خاصیت و روی‌کرد انسان پانزده سده پیش دارد و ظاهراً مصلحت صاحبان رأی در آن هنگام همین بوده است.

«ما ز قرآن مغز را برداشتیم»؟

مشکل بخش بزرگی از روحانیت و مذهبیان در جهان اسلام و به خصوص در کشورهای جهان سومی، فقیر و عقب‌مانده این است که بیش‌تر به دور از سواد روشن‌گرانه امروزی جهان و ذهنیت حاکم بشر زنده‌گی می‌کنند. دیده می‌شود که متأسفانه با ظاهر قرآن، مطابق تعقل عقب‌مانده خویش آشنایی سطحی دارند و همین‌طور به مغز و عمق قرآن و حکمت گفتار پیامبر توجه ندارند. مثلاً اگر به آیه ۱۰۵ و ۵۴ سوره الاسراء، آیه ۱۰۷ سوره الانبیا، آیه ۲۵۶ سوره بقره و آیه ۱۲۵ سوره نحل رجوع کنیم، می‌بینیم که با آن‌چه جماعت‌های تندرو اسلامی امروز فکر می‌کنند، در مغایرت کامل قرار دارد. من ترجمه آیه ۶۳ سوره نسا را این‌جا نقل می‌کنم که خداوند به طور جدی به پیامبر امر فرموده است: «اینان‌اند که خدا از قلب آن‌ها آگاه است، تو(رسول) از آنان روی‌مگردان و آن‌ها را نصیحت کن و به گفتار دل‌نشین و موثر با ایشان سخن بگو.» همه این مثال‌ها نشان می‌دهد که بر حسب امر خدا، چه پیامبر و یا هر کسی که بخواهد در یک جامعه

دست به اصلاح بزند، اجازه ندارد با اجبار عمل کند؛ بلکه اجازه دارد با زبان دل‌پذیر، قناعت‌بخش و زبان حکمت و انسانیت با مردم سخن بگوید و حجت خود را این‌گونه تمام کند.

مشکلات در مدارس دینی

یکی از مشکلات اساسی در مدارس، شرایط زیستی عقب‌مانده‌ای است که حقیقتاً جای توجه و نگرانی جدی را دارد. نخست‌از همه باید به این نکته توجه نمود که مدارس و مجامع دینی را بیش‌تر جوانانی از طبقه غریب و نادار جامعه پر کرده و اینان تا سنین جوانی در یک حالت وخیم محرومیت زیسته‌اند. از سویی هم، در مدارس، آثار غیرشریعتی و دیگر علوم و سهولت‌های زنده‌گی شهری وجود ندارد و ذهنیت تحقیرگرایانه نسبت به زنان در آن حاکم است. هم‌چنان سخنی از نشست‌های پیاپی و روابط افهام و تفهیم با جوینده‌گان دیگر دانش‌های انسانی و علوم تجربی در میان نیست. برخورد ترورهای شخصیتی در مدارس، حقیرسازی، خشونت‌گرایی بر یک‌دیگر و چشم‌پوشی از ظرفیت‌های شخصیتی و نادیده‌گیری خلاقیت‌های اشخاص، دوری بلندمدت شاگردان از خانواده و دوربودن از تکنولوژی، رسانه‌ها و انترنت، همه و همه باعث شده است که این‌چنین جامعه‌ای از اهل روحانیت و سنت در حوزه دین به وجود آید. طبیعی است که در رفتار و گفتار این افراد، هر نوع افراطیتی رخنه می‌کند. این‌ها

نمی‌خواهند زیر سایه شوم جنگ، ارزش‌های فرهنگی و تاریخی مشترک از دست برود.

امریکا و روسیه نیز بایست به خاطر روایت‌های کلان جهانی که خلق کرده‌اند، برای یک افغانستان باثبات و صلح‌آمیز هم‌کاری صادقانه کنند. مردم افغانستان همیشه این اطمینان را داده‌اند که اجازه نمی‌دهند از خاک این کشور، تهدیدی متوجه جهان شود. اگر بحث القاعده و طالبان به میان می‌آید، جهان باید بداند که گروه طالبان محصول نقش مغرضانه کشورهای دیگر است. این درس تاریخی را جهان از یاد نبرد که تروریسم در صورت بقا در خاک افغانستان یا هر جای دیگر، هرگز به یک کشور و یک منطقه محدود نمی‌ماند و دیر یا زود به مناطق دیگر جهان پخش می‌شود.

اکنون فرصت آن است که صفحه جدیدی در تاریخ جهان گشوده شود. تجربه کشتار و تروریسم، تجربه موفق و مفید برای جهان نبوده است و در آینده نیز نخواهد بود. مردم افغانستان یک آینده باثبات و عاری از جنگ را آرزو دارند و می‌خواهند این آرزو به واقعیت تبدیل شود. زمان آن است که به جای رقابت توپ و تفنگ، به رقابت‌های سالم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی رو بیاوریم. اکنون انتخاب با جهان است که می‌خواهد با عبور از گذشته، یک آینده جدید و توأم با امید و سازنده‌گی را رقم بزند، یا هم‌چنان شاهد رشد تروریسم باشد. اما در صورت عدم هم‌کاری صادقانه در روند صلح افغانستان، تاریخ درباره حامیان تروریسم قضاوت خواهد کرد و دامنه جنگ به صورت باورنکردنی وسعت خواهد یافت.

اکنون فرصت آن است که صفحه

جدیدی در تاریخ جهان گشوده شود. تجربه کشتار و تروریسم، تجربه موفق و مفید برای جهان نبوده است و در آینده نیز نخواهد بود. مردم افغانستان یک آینده باثبات و عاری از جنگ را آرزو دارند و می‌خواهند این آرزو به واقعیت تبدیل شود. زمان آن است که به جای رقابت توپ و تفنگ، به رقابت‌های سالم اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ورزشی رو بیاوریم.

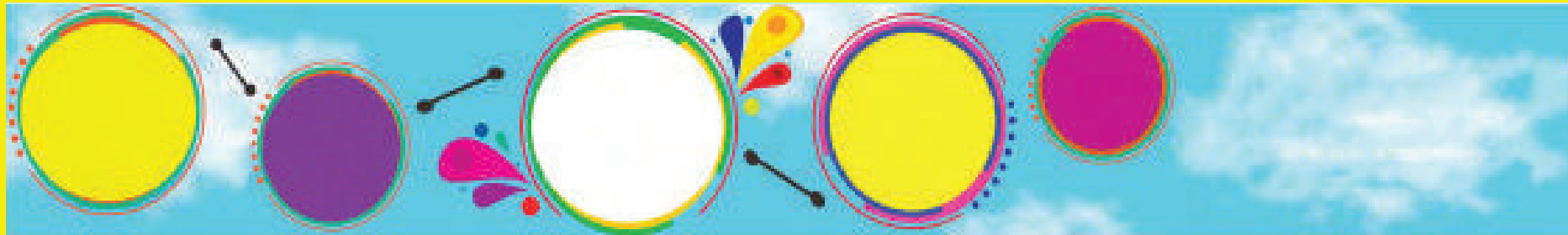
◆ اسحاق ثاقبی داراب

خشونت‌گرایی را در گفتار و کردار مذهبی‌شان، حق و تکلیف خود می‌دانند. درست همانند قبایل باستانی معتقد به گروه‌بندی و صف‌سازی‌اند.

راه‌های حل

راه حل نخست با توجه به شرایط کنونی در کشور، این است که ابتدا باید مسیر آشتی با این گروه را پیدا کنیم. تعامل زیستی با این دسته (دست‌کم در ظاهر امر) و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد فضای تحمل و دیگرپذیری از الزامیت‌های فوری جامعه ما است. دوم، باید در میان این طبقه و سهولت‌های زنده‌گی مدرن بتوانیم هماهنگی ایجاد کنیم. سوم، حکومت‌هایی دارای ارتش و استخبارات قوی می‌توانند این‌ها را اداره و نظارت جدی کنند و مانع رشد و گسترش این روند شوند. بنابراین باید در قسمت مدارس دینی در کشور و آوردن اصلاحات در زمینه شرایط زیستی و روی‌کرد مدرسان دینی در این مدارس، اقدام جدی شود. چهارم، از دل اسلام باید مسایلی را بیرون بکشیم که سخن از حمایت علم‌اندوزی و دانستن علوم دیگر می‌زنند و دیگران را تشویق به رفتن به سوی دانش‌های رایج جهانی کنیم. پنجم، باید حالت گذار را با قوت تمام حفظ کنیم و منتظر بمانیم که نسل کهنه و پیر آهسته آهسته از نظر فیزیکی کاهش یابد و نگذاریم نسل جدید بدون سواد و دانش‌های عصری بماند. ششم، باید حتماً سعی کنیم که میزان توجه جوانان به سوی مدارس کاهش یابد.

تا زمانی که ترویج اسلامیت و دیدگاه‌های تندروانه دینی و مذهبی مان را با آن خاصیت و روی‌کرد مدرسه‌ای انجام بدهیم و این را تکلیف خود بدانیم؛ خشونت را در جامعه ما پایانی نخواهد بود.



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۶۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

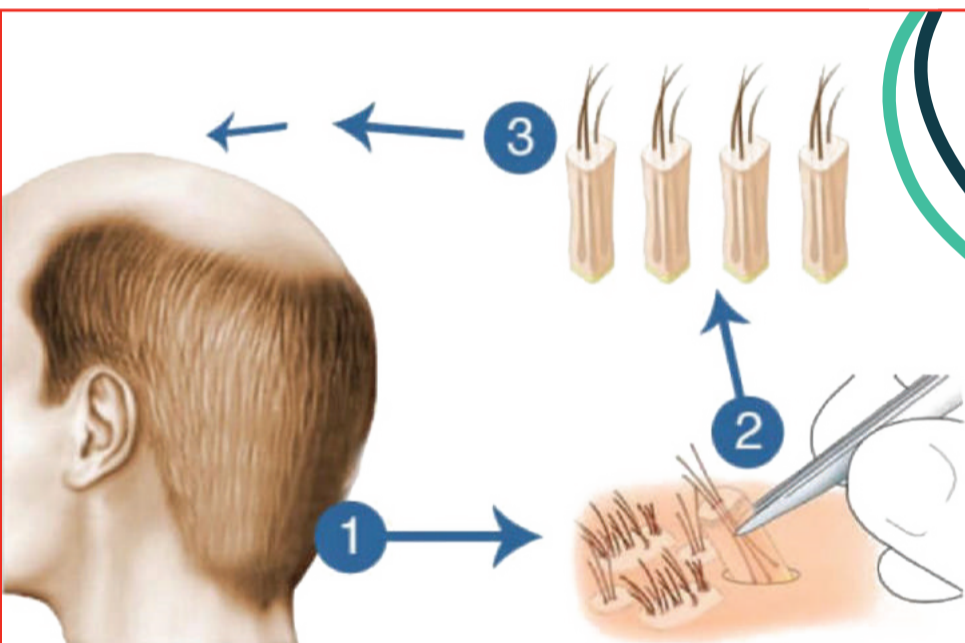
شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما



- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com کوه سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوه سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوه سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰ / ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر

کتاب «آواره» چه دارد و از نداشتن چه چیزی رنج می برد؟



امان شادکام

بالاخره، محمداکبر در عسکری سینه‌اش با گلوله شکافته می‌شود و ماهورا در اثر شدت برفباری، به شمول خانواده‌اش زیر سقف خانه هموار می‌گردد. پدر محمداکبر (عبدالصمد) ادامه زنده‌گی را در بامیان ناممکن می‌بیند و با اعضای خانواده، به دند غوری می‌رود. در آن‌جا نیز با مشقت‌های بی‌شمار دست‌وپنجه نرم می‌کند، زن و یک پسرش را از دست می‌دهد و در آخرین لحظه‌های زندگی‌اش دخترش را به یک مرد پیر می‌دهد و دختر آن مرد را برای عبدالحکیم می‌آورد. بعد از فوت پدرش، عبدالحکیم با زنش (اسما) به بامیان برمی‌گردد. در بامیان روزگار به مزاجش نیست، به کابل می‌رود و از کابل برمی‌گردد. بالاخره توسط طالبان با شلیک گلوله کشته می‌شود.

بخش دیگر کتاب آواره، حامل داستان‌هایی است که در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ اتفاق افتاده و این بخش بیشتر همان دل‌نوشته‌های نویسنده است. قهرمان داستان این بخش، داوود است. داوود محصل دانشگاه کابل و دانشکده ژورنالیسم است. داوود، دوستانی به‌نام‌های علی، عنایت و حضرت‌گل دارد. عنایت عاشق مهدیه است و شوربختانه او (عنایت) در انفجار دهم‌زنگ قطعه‌وپاره می‌شود و مهدیه غم‌بار و اشک‌بار در فراق او می‌گرید. علی، محصل رشته فلسفه و جامعه‌شناسی است. او عاشق دختری است که در دانشکده حقوق درس می‌خواند. اما آن دختر بی‌خبر است و علی در تنهایی‌اش تب می‌کند و شب‌رو روز می‌خواهد. حضرت‌گل، محصل دانشکده شریعت است و از ولایت ننگرهار. وی یک جوان افراطی است که یک‌بار در اتاق، کتاب سرمایه‌مارکس را در تشناب غسل می‌دهد، چون استادش گفته که کارل مارکس کافر بوده است. شوربختانه، حضرت‌گل نیز در راه ننگرهار توسط مابین کنارجاده‌های کشته می‌شود. اما خود داوود، عاشق یک دختر به‌نام نرگس است. داوود در راه پیمایی دهم‌زنگ اشتراک می‌کند و معیوب می‌شود. بعد از معیوب‌شدنش، نرگس از او فاصله می‌گیرد. آن‌ها کام‌ها و عشق‌ورزی‌هایی که قبلاً داشت، می‌میرد. نرگس او را حقیر و بی‌چاره می‌داند و طردش می‌کند. داوود، از همه‌چیز روگردان می‌شود، زیر پل سوخته و بعد به هرات می‌رود.

داستان کتاب آواره خیلی کوتاه است، اما نویسنده، خلاقیت به خرج داده و از جملات گیرا و زیبا استفاده کرده است. کتاب را چنان جذاب وصف کرده است که دل آدم نمی‌شود بر زمین بگذارد. من این کتاب را یک‌نواخت خواندم و حتی از کارهای ضروری که داشتم،

کتاب «آواره» چه دارد و از نداشتن چه چیزی رنج می برد؟



نویسنده سعی کرده است که کتابش را مثل رمان‌های باد بادک باز، ملت عشق و گلنار و آئینه بنویسد. ادبیات نوشتاری‌اش خیلی نزدیک است به رمان باد بادک باز، اما از لحاظ شکل و دسته‌بندی، از رمان ملت عشق الگو گرفته است. کتاب ملت عشق، یک شماره‌اش درباره شمس است و شماره دیگرش درباره شمس و زن روسی. کتاب آواره نیز مثل ملت عشق، یک شماره‌اش درباره داوود محمداکبر.

خودداری کردم و فقط کتاب آواره را خواندم. قسمت آخر کتاب به حد زیادی تراژدی است که با خواندنش، پلکانم سنگینی کرد، اشک‌های سیل‌آسا بالای گونه‌هایم ریخت و قلبم به حال غربت و بی‌چاری قهرمان داستان (داوود) سوخت.

کتاب آواره، رسم و باورهای خرافاتی را برجسته کرده و خواسته است تا نشان بدهد که سنت‌های خرافاتی بخشی از فرهنگ جامعه ما را تشکیل می‌دهد. حضرت‌گل، در اتاق روی تخت نمی‌خوابد، چون باور دارد که پیامبر بالای تخت نخوابیده است و پیروانش هم نباید بخوابند. مثلاً، حضرت‌گل در خواب‌گاه، رخت‌خوابش را کف اتاق می‌انداخت و آن‌جا خواب می‌کرد. وقتی از او می‌پرسیدیم که چرا بالای «چپرکت» نمی‌خوابد، می‌گفت: «در زمان پیامبر اسلام چپرکت نبوده و پیامبر روی زمین می‌خوابیده و چپرکت ساخته‌شده دست خارجی‌ها است و برای مسلمان حرام است.» (ص ۲۰۰). همین‌طور از خرافاتی که در بین مردم هزاره مروج است، نیز یادآوری کرده: «زمانی که ماهورا را به محمداکبر نمی‌دهد و محمداکبر به یک نوع مرضی مبتلا می‌شود. پدرش سیدکربلایی را می‌آورد و می‌گوید که بچیم، دهانت را باز کن. پیرزاده آمده برای دعا کند، بخیر خوب شوی. محمداکبر دهانش را باز می‌کند. سیدکربلایی با زبانش، حفره دهانش را پاک و آب دهانش را جمع و به دهان محمداکبر تف کرد. می‌گوید که قورتش کن؛ خوب می‌شوی.» (ص ۷۴). این نکاتی است که در جامعه ما مروج بوده، اما امروزه شکلش تغییر کرده است. جالب این‌جا است که نویسنده در قسمت آخر به خرافاتی که امروزه مروج است نیز اشاره کرده: «زمانی که نرگس به داوود پشت می‌کند و

داوود از شدت غم به نزد طالع‌بین می‌آید و برایش تعویذ دل‌گرمی می‌دهد و بعد هفده صد افغانی طلب می‌کند.» به هر حال، کتاب آواره بر علاوه خوبی‌ها، از مشکلات زیادی نیز رنج می‌برد. بیش‌تر نقدها در محتوا، گوینده داستان، جملات گنگ و پارادوکس‌بودن کتاب است. زمانی که کتاب را بخوانیم، به این نتیجه می‌رسیم که کتاب آواره را قدیراحمد شیرزاد نوشته نکرده، بلکه شخصی دیگری به‌نام داوود نوشته است. به عنوان نمونه: «چه کسی می‌توانست با عبدالرحیم کار داشته باشد. لاید کدام شخصی از قریه است.» (ص ۱۷۱). چنین به نظر می‌آید که گوینده‌اش داوود باشد. اما در صفحه ۹۱ آمده است: «عنایت می‌گوید که داوود بیا برویم که دیر می‌شود.» گوینده همین جمله هم، داوود است. این نوع رمان‌نویسی در ادبیات زیاد رایج نیست و هر کتاب رمان را که بخوانیم این‌گونه نوشته نشده است؛ چون در رمان‌های دیگر، راوی اول، خود نویسنده است و بعد از راوی اول، راوی‌های زیادی داخل کتاب می‌شوند.

داستان‌های درون کتاب، خیلی کم‌تر صحنه‌سازی شده، اما به چیزی که در حد افراط توجه شده، توصیف‌های عجیب و غریب است. در کنار توصیف‌ها، از جملات گنگ و کلمات قلمبه و سلمبه نیز استفاده شده است. به عنوان نمونه: «دنیاپیم روشن‌تر شده بود؛ اما به مراتب، محدودتر و تنگ‌تر. نرگس اما، او کی بود: با آن چشمان اثیری، با آن ابروان مورب و چهره مدور، چون فرشته‌ای از آسمان در کویر تنهایی من پا گذاشته بود.» (ص ۱۸۹). در ضمن توصیف‌های طبیعت نسبت به نرگس، اسماء، مهدیه و سمیه بیش‌تر است. نویسنده در وصف فضای دانشگاه کابل به حد زیاد غلو کرده است و خواننده را از یک‌طرف به وجد و از طرف دیگر به خنده می‌آورد. در صفحه ۲۸۵ می‌نویسد: «این روزگار است که با چهره‌های سیاه، سرخ و به ندرت سفید زنده‌گی می‌کند. از پستان حیات شیر می‌مکد و در دامان وجود می‌لولد؛ اما چه فراتر و نحیف، بی‌ریخت و بدقیافه.» از این‌گونه توصیف‌ها شاید خواننده لذت ببرد، اما چیزی دست‌گیرش نمی‌شود؛ یعنی آموزه‌های مفید درخور خواننده نمی‌دهد. نویسنده بعضی از جملاتی را به کار برده که بی‌معنا است. مثلاً، در صفحه ۱۹۷ نگاه‌شده است: «زمانی که او (نرگس) را می‌دیدم کف دستم عرق می‌کرد.» با دیدن معشوق کف دست عرق نمی‌کند، بلکه جاهای مثل صورت عرق می‌کند.

برعلاوه این‌ها، به نظر می‌رسد که نویسنده بالای محتوا خیلی دقت نکرده، چون تناقض‌های بخش‌ها خود نشان‌دهنده بی‌توجهی نویسنده است. نویسنده آن‌قدر زحمت به خرج نداده است که بخش‌های کتاب را دقیق بنویسد تا از دروغ‌بودن و پارادوکس‌بودنش جلوگیری می‌شد. به عنوان نمونه: «عبدالصمد به سن ۵۶ ساله‌گی فوت می‌کند.» (ص ۱۱۹). در صفحه ۱۱۵، سن سمیه، دختر عبدالصمد را ۳۰ سال و سن عبدالحکیم، پسر او را ۲۵ سال می‌نویسد. در صورتی که عبدالصمد زنده بوده است. در ضمن، عبدالصمد یک پسرش را در دند غوری از دست داد و پسر کلانش، محمداکبر در بامیان جوان ۱۸ ساله بود و عاشق سرسخت ماهورا. نظر به سن بچه‌هایش اگر حساب کنیم، عبدالصمد سن بلندی داشته، اما نویسنده محترم، همین‌قدر متوجه نبوده که در صفحه ۲۲ و بعد در صفحه ۱۱۵ و ۱۱۹ چه نوشته است. شوربختانه تنها همین نیست و از اول تا آخر کتاب، تناقض‌گویی و بی‌توجهی نویسنده به چشم می‌خورد. مثلاً، می‌نویسد که عبدالصمد یک مرد بی‌سواد بود و سواد خواندن را هم نداشت؛ اما در صفحه ۲۲، عبدالصمد در وقت جان‌کندن، پسرش عبدالحکیم را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «تو باید بروی بامیان و آن جایداد را حفظ کنی. آن‌ها تاریخ ما است. کسی که تاریخ ندارد، هویت هم ندارد و کسی که هویت نداشته باشد، در واقع مرده است. پسر من آن‌چه گفتم فراموش نکن.» این نکاتی است که تناقض‌گویی نویسنده را نشان می‌دهد. این‌جا تأسف است که یک نویسنده، شرایطی که قهرمان داستان و کسانی که در داستان است را در نظر نگیرد. در رمان‌ها دیده نمی‌شود که نویسنده از یک بی‌سواد درون داستان، نقل قولی کرده باشد که او مثل یک تحصیل‌کرده سخن بگوید.

می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که کتاب را خیلی جذاب نوشته است؛ اما داستان‌ها آموزنده نیست. گاهی توصیف‌های بی‌ربط و گاهی هم عدم صحنه‌پردازی باعث شده است که بخش آموزنده‌گی کتاب آواره کم‌رنگ شود، یا فقط خلاصه شود به بازی با کلمات. من فکر می‌کنم که کتاب، بازی با کلمات است و کسانی که می‌خواهند، کلمه یاد بگیرند، حتماً این کتاب را بخوانند.



داستان کتاب آواره خیلی کوتاه است، اما نویسنده، خلاقیت به خرج داده و از جملات گیرا و زیبا استفاده کرده است. کتاب را چنان جذاب وصف کرده است که دل آدم نمی‌شود بر زمین بگذارد. من این کتاب را یک‌نواخت خواندم و حتی از کارهای ضروری که داشتم، خودداری کردم و فقط کتاب آواره را خواندم. قسمت آخر کتاب به حد زیادی تراژدی است که با خواندنش، پلکانم سنگینی کرد، اشک‌هایم سیل‌آسا بالای گونه‌هایم ریخت و قلبم به حال غربت و بی‌چاری قهرمان داستان (داوود) سوخت.

نوشتاری‌اش خیلی نزدیک است به رمان باد بادک باز، اما از لحاظ شکل و دسته‌بندی، از رمان ملت عشق الگو گرفته است. کتاب ملت عشق، یک شماره‌اش درباره شمس است و شماره دیگرش درباره شمس و زن روسی. کتاب آواره نیز مثل ملت عشق، یک شماره‌اش درباره داوود است و شماره بعدی‌اش درباره محمداکبر. کتاب آواره به صورت کل از دو بخش تشکیل شده و هر دو بخش خیلی متفاوت است. یک بخش داستان، از روستاها و آواره‌گی حکایت دارد و قهرمان داستان محمداکبر و ماهورا است. محمداکبر عاشق ماهورا است، اما پدر ماهورا خان قریه است و صاحب مال و منال. ماهورا را به اجبار با یک پسر خان در منطقه یکاولنگ نامزد می‌کند و محمداکبر مجنون می‌شود.



محمدنسخونوا

۱۳۹۹/۱/۱۱ پیشنهاد ریاست صحت عامه هرات، خریداری ۱۰ دستگاه تنفس مصنوعی به مدل «SH 200» ساخت شرکت «بی جینگ» کشور چین آمده است. در پیشنهاد ذکر شده که صرفاً همین مدل در هرات یافت می‌شود. نظر به نمونه برداری از چهار دستگاه برای بررسی، یافته‌های مفتشان اجتماعی نشان می‌دهد که سه دستگاه به مدل «SH200» خریداری و یک دستگاه دیگر به مدل «SH 210» تهیه شده است. افزون بر این، در هنگام توزیع دستگاه‌ها به شفاخانه، مشخصات آن در تکت ذکر نشده است. هم‌چنان فورم «م ۷» گزارشات رسید اجناس نشان می‌دهد که مشخصات دستگاه‌های تنفس مصنوعی متفاوت است. شبکه امانت‌داری در یافته‌های پژوهش خود، نمونه‌هایی از مشخصات دستگاه‌ها و نیز تصاویر آن‌ها را نشر کرده است.

تأخیر در تحویل‌دهی اجناس صحی، عدم رعایت قوانین مالیاتی کشور در خریداری اجناس و نبود نام و تاریخ در اسناد پیشنهاد خریداری اجناس مصرفی آزمایشگاهی توسط ریاست صحت عامه هرات، دیگر موارد خلاف‌ورزی است که در پژوهش دیده‌بان شفافیت به آن‌ها اشاره شده است.

سفارش‌های دیده‌بان شفافیت برای مهار فساد
دیده‌بان شفافیت افغانستان در پایان پژوهش «بررسی اجتماعی از مصارف بودجه مبارزه با کرونا» برخی سفارش‌ها را برای مهار فساد و مجازات عاملان حیف‌ومیل بودجه، به حکومت افغانستان ارایه کرده است.

دیده‌بان شفافیت، از حکومت خواسته تا افرادی که در گم شدن مواد صحی دست داشته‌اند را شناسایی و به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کند و مواد صحی در زودترین زمان به شفاخانه‌ها انتقال یابد. این نهاد هم‌چنان خواهان خریداری اجناس، تجهیزات و مواد صحی، طبق قانون مالیه‌دهی افغانستان است و برای جلوگیری از فساد، می‌خواهد اجناس پیشنهادی مطابق مشخصات ذکر شده خریداری شود. مسوولان در این نهاد از حکومت می‌خواهند که اعضای هیأت موظف باید در وقت امضا نام، نام نهاد و تاریخ را ذکر کنند. باورها بر این است که چنین مواردی در شفاف‌سازی اسناد کمک کرده و زمینه سوءاستفاده را محدود می‌سازد.

دیده‌بان شفافیت افغانستان یک نهاد مدنی است که در راستای ترویج فرهنگ شفافیت و تقویت حساب‌دهی اجتماعی تلاش می‌کند. گفتنی است که دیده‌بان شفافیت در چندین ولایت نماینده‌گی دارد و شبکه‌هایی زیر نام «شبکه‌های امانت‌داری» ایجاد کرده است. این شبکه‌ها متشکل از نهادهای مدنی در ولایت‌ها است و بالای شفافیت، حساب‌دهی و مشارکت عامه در سطح دولت‌داری ولایت‌ها کار می‌کند.

ویروس کرونا و ویروس فساد
روزنامه ۸صبح پیش از این در گزارشی با عنوان «فساد میلیونی در پول مبارزه با ویروس کرونا» که در تاریخ یکم سرطان سال ۱۳۹۹ خورشیدی نشر شد، از فساد و حیف‌ومیل گسترده در مصرف بودجه کرونا در برخی ولایت‌های کشور، به ویژه هرات، پرده برداشت. تنها یک روز پس از نشر این گزارش، محمدشرف غنی، رییس جمهور کشور، دستور بررسی یافته‌های گزارش تحقیقی ۸صبح پیرامون حیف‌ومیل میلیون‌ها افغانی از بودجه مبارزه با کرونا را صادر کرد. او گفت در مورد افرادی که از منابع مبارزه با ویروس کرونا سوءاستفاده می‌کنند، «اقدامات جدی» خواهد کرد. در ماه سنبله امسال نیز اداره بازرس ریاست جمهوری، والیان پیشین هرات و نورستان و والیان برحال ولایت‌های میدان‌وردک و بدخشان را به ظن «مدیریت نادرست بودجه کرونا» به لوی‌سارنوالی معرفی کرد. حدود یک ماه قبل هم نه مقام محلی و یک عضو شورای ولایتی هرات، به اتهام فساد و سوءاستفاده در مصرف بودجه کرونا، به سارنوالی معرفی شدند.

با این‌همه، یافته‌های پژوهش تازه‌ای که از سوی دیده‌بان شفافیت افغانستان و شبکه امانت‌داری هرات انجام شده است، از فساد و حیف‌ومیل گسترده بودجه کرونا و حتا گم شدن مواد صحی حکایت دارد؛ خلاف‌ورزی‌هایی که انتظار می‌رود از سوی حکومت بررسی و نتایج آن با مردم در میان گذاشته شود.



اسناد مصارف بودجه مبارزه با کرونا در هرات نشان‌گر خرید برخی کالاهای نه چندان ضروری و نیازسنجی نادرست مواد لازم برای مهار کرونا است. در اسناد نیازسنجی ماشین کالاشویی، تلویزیون، کمپیوتر، کمره، کارت حافظه و آنتن تلویزیون به عنوان اجناس مورد نیاز برای مهار کرونا ذکر شده است. براساس حکم شماره ۶۰ مقام ولایت هرات مورخ ۱۳۹۹/۱/۶ به تعداد ۱۰ پایه تلویزیون ۳۲ اینچ و یک پایه تلویزیون ۸۵ اینچ یک‌جا با میز، رسیور و سایر نیازمندی‌هایش با تعداد ۱۰ دستگاه آنتن عادی و ۱۰۰ متر لین درخواست شده است.

«i3 Dell Inspiron Core» خریداری شده که هشت پایه آن هرکدام به قیمت ۳۷ هزار و ۴۵۰ افغانی خریداری شده، اما قیمت فعلی آن در بازار ۳۲ هزار و ۵۰۰ افغانی است و در خرید هر پایه کمپیوتر ۴۹۵۰ افغانی تفاوت قیمت وجود دارد.

هم‌چنان به تعداد دو پایه لب‌تاپ «Dell Inspiron Core i5» به مبلغ ۴۹ هزار و ۲۲۰ افغانی خریداری شده، اما فعلاً در بازار با قیمت ۴۵ هزار افغانی فروخته می‌شود و میان قیمت خرید اجناس و بهای بازار در هر پایه لب‌تاپ ۴۲۲۰ افغانی تفاوت وجود دارد.

در حکم شماره ۶۱ مورخ ۱۳۹۹/۱/۶ یک عدد کارت حافظه کمره عکاسی و فلم‌برداری «کانون» با نرخ ۱۴ هزار افغانی خریداری شده، اما همین جنس در بازار به دو هزار و ۷۵۴ افغانی فروخته می‌شود و قیمت خرید با قیمت بازار ۱۱ هزار و ۲۴۶ افغانی تفاوت دارد.

هم‌چنان در حکم شماره ۶۱ مورخ ۱۳۹۹/۱/۶ یک عدد لنز کمره عکاسی و فلم‌برداری «مدل ۳۰۰/۲۸ کانون» با بهای ۲۲۴ هزار و ۷۰۰ افغانی خریداری شده، اما همین لنز در بازار به قیمت ۱۹۷ هزار و ۳۷۰ افغانی موجود است و ۲۷ هزار و ۳۳۰ افغانی تفاوت قیمت وجود دارد.

براساس حکم شماره ۴۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۵ مقام ولایت هرات، ۷۰ عدد میکورفون و بلندگوی مکمل «هشت قوه‌ای» برای اطلاع‌رسانی از سوی ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات هر کدام به مبلغ ۱۷۵۰ افغانی خریداری شده، اما براساس نظر مفتش‌های اجتماعی، در هر دستگاه ۲۰۰ افغانی و در مجموع ۱۴ هزار افغانی تفاوت قیمت وجود دارد.

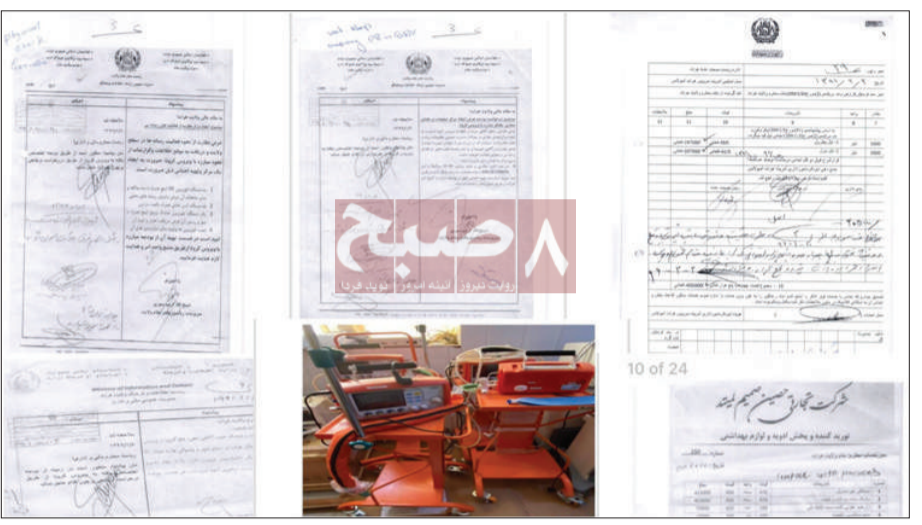
تفاوت در خرید مواد سوخت هرات آمبولانس
برمبنای حکم شماره ۶۳ مورخ ۱۳۹۹/۱/۶ مقام ولایت هرات، خرید مجموعاً پنج هزار لیتر تیل دیزل و پنج هزار لیتر تیل پترول برای مصرف امریت هرات آمبولانس تأیید شده است. بررسی اجتماعی توسط شبکه امانت‌داری نشان می‌دهد که هر لیتر پترول ۳۹،۵ افغانی و هر لیتر دیزل به مبلغ ۴۱،۵ افغانی خریداری شده است.

در زمان اوج همه‌گیری کرونا در هرات، هر لیتر پترول ۳۲ تا ۳۵ افغانی و هر لیتر دیزل ۳۶ تا ۳۸ افغانی به فروش می‌رسید. بر این اساس، در خرید هر لیتر پترول ۴،۵ افغانی و هر لیتر دیزل ۳،۵ افغانی تفاوت قیمت وجود دارد که مجموعاً «۴۰ هزار» افغانی می‌شود.

بررسی اعضای شبکه امانت‌داری و مفتش‌های اجتماعی نشان می‌دهد که توزیع مواد سوخت برای موترهای امریت هرات آمبولانس شفاف بوده و تیل براساس کیلومتر آمبولانس توزیع شده است. در روزهای نخست همه‌گیری کرونا، هرات آمبولانس بیماران مشکوک را به مراکز بهداشتی انتقال می‌داد.

تفاوت مشخصات دستگاه‌های تنفس مصنوعی
در بخش دیگری از یافته‌های پژوهش دیده‌بان شفافیت، براساس حکم شماره ۱۶۹ به تاریخ

یافته‌های دیده‌بان شفافیت: به ارزش دو میلیون افغانی مواد صحی در هرات گم است



تحویل‌گیرنده اجناس وجود ندارد. هم‌چنان، نمبر درخواست و تاریخ در تکت توزیع تحویل‌خانه موجود نیست. بررسی شواهد حکایت دارد که فردی به نام محمدسلیم از تاریخ ۱۳۹۹/۴/۱۵ «مسوول ستاک» استخدام شده، اما اسناد نشان می‌دهد که به تاریخ ۱۳۹۹/۵/۱۴ مواد صحی به نام «خادمی» مسوول ستاک شیدایی، صادر شده است. برمبنای نمبر تکت توزیع ۶۱۳ مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۴ تعداد ۱۷ قلم مواد صحی به ارزش «۱۳۸ هزار و ۹۶۰» افغانی به شفاخانه «کووید نمبر دوم» در هرات ارسال شده، اما اسناد نشان می‌دهد که اجناس به شفاخانه نرسیده و معلوم نیست به کجا انتقال یافته است. امضای تحویل‌گیرنده هم در اسناد وجود ندارد و نمبر درخواست و تاریخ در تکت توزیع تحویل‌خانه موجود نیست.

خرید تلویزیون، کمپیوتر و کمره از بودجه مبارزه با کرونا

اسناد مصارف بودجه مبارزه با کرونا در هرات نشان‌گر خرید برخی کالاهای نه چندان ضروری و نیازسنجی نادرست مواد لازم برای مهار کرونا است. در اسناد نیازسنجی ماشین کالاشویی، تلویزیون، کمپیوتر، کمره، کارت حافظه و آنتن تلویزیون به عنوان اجناس مورد نیاز برای مهار کرونا ذکر شده است.

براساس حکم شماره ۶۰ مقام ولایت هرات مورخ ۱۳۹۹/۱/۶ به تعداد ۱۰ پایه تلویزیون ۳۲ اینچ و یک پایه تلویزیون ۸۵ اینچ یک‌جا با میز، رسیور و سایر نیازمندی‌هایش با تعداد ۱۰ دستگاه آنتن عادی و ۱۰۰ متر لین درخواست شده است.

افزون بر این، ۱۰ پایه کمپیوتر شامل هشت پایه دیسک‌تاپ و دو پایه لب‌تاپ، یک عدد کمره/دوربین، یک عدد لنز عکاسی و فلم‌برداری و برخی اجناس دیگر از بودجه ویژه مهار کرونا، با پیشنهاد مقام‌های محلی و تأیید والی هرات، خریداری شده است.

هرچند در پیشنهاد خرید اجناس که از سوی والی هرات امضا شده، قرار بود از آن‌ها در مرکز نظارت از رسانه‌ها و عمل‌کرد مسوولان برای مهار کرونا استفاده شود، اما این اجناس به مرکز تماس و هماهنگی مریضان و داکتران ارسال شده است.

فساد و حیف‌ومیل در خرید اجناس

در یکی از بل‌های خریداری اجناس، به جای تلویزیون ۸۵ اینچ، تلویزیون ۷۵ اینچ خریداری شده و در پیشنهاد خرید مشخصات جنس ذکر نشده است. مقایسه اسناد خرید نشان می‌دهد که تلویزیون ۷۵ اینچ که با مصارف راه «۱۶۰ هزار» افغانی تمام می‌شود، به قیمت «۱۸۳ هزار» افغانی خریداری شده و «۲۳ هزار» افغانی تفاوت قیمت دارد. افزون بر خرید تلویزیون، به تعداد ۱۰ پایه کمپیوتر

یافته‌های تازه دیده‌بان شفافیت افغانستان نشان می‌دهد که مقام‌های محلی در ولایت هرات هنگام خریداری اجناس مورد نیاز برای مهار کرونا در این ولایت، مرتکب فساد و حیف‌ومیل گسترده شده‌اند. براساس این پژوهش، برخی مواد صحی خریداری شده از بودجه ویژه کرونا در هرات که قیمت مجموعی آن بیش‌تر از «دو میلیون» افغانی می‌شود، نادرک است و معلوم نیست به کجا انتقال یافته است. افزون بر این، بررسی اسناد نشان می‌دهد که در بهای خریداری اجناس مورد نیاز برای مهار کرونا در هرات، میان قیمت خریداری اجناس و قیمت اصلی آن در بازار، تفاوت‌های زیادی وجود دارد و از این رهگذر نیز پول هنگفتی حیف‌ومیل شده است. در پژوهش دیده‌بان شفافیت که توسط شبکه امانت‌داری هرات انجام شده، آمده که از بودجه ویژه مهار کرونا در هرات، ۱۰ پایه کمپیوتر، ۱۱ دستگاه تلویزیون و یک عدد کمره عکاسی، لنز و کارت حافظه برای مرکز نظارت از رسانه‌ها خریداری شده، اما از آن‌ها در مرکز تماس و هماهنگی مریضان و داکتران استفاده شده است.

بررسی مصارف بودجه کرونا

براساس یافته‌های پژوهش دیده‌بان شفافیت و شبکه امانت‌داری در هرات که نسخه‌ای از آن در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است، پول هنگفتی از سوی برخی مقام‌های محلی هنگام مصارف بودجه ویژه مهار کرونا حیف‌ومیل شده است. این پژوهش با عنوان «بررسی اجتماعی از مصارف بودجه مبارزه با کرونا» انجام شده است.

اعضای شبکه امانت‌داری در هرات، مطابق قانون دسترسی به اطلاعات، اسناد مربوط به مصارف بودجه مهار کرونا را از مقام ولایت و ریاست صحت عامه دریافت و پس از بررسی اسناد مصرف بودجه و خریداری اجناس، از شفاخانه‌های ویژه کرونا بازدید و مصارف بودجه را تحلیل و بررسی کرده‌اند.

براساس یافته‌های این پژوهش، برخی اجناس خریداری شده از حساب «۴۰۰ میلیون افغانی» بودجه ویژه مهار کرونا در هرات «گم شده» و معلوم نیست به کجا انتقال یافته است. افزون بر این، برخی اجناس مورد نیاز، بیش‌تر از بهای اصلی در بازار خریداری و پول‌های زیادی حیف‌ومیل شده است.

گم شدن مواد صحی به ارزش «دو میلیون» افغانی

در بخشی از پژوهش دیده‌بان شفافیت و شبکه امانت‌داری هرات ذکر شده که برخی مواد صحی خریداری شده از بودجه ویژه مهار کرونا در این ولایت، با ارزش مجموعی بیش‌تر از «دو میلیون» افغانی، گم شده و معلوم نیست به کجا انتقال یافته است.

در تکت توزیع به شماره ۸۶۸ مورخ ۱۳۹۹/۵/۱۴ به تعداد ۱۰ قلم مواد صحی به ارزش «یک میلیون و ۸۸۱ هزار و ۴۵۵» افغانی به شفاخانه ویژه درمان بیماران کرونا در منطقه شیدایی هرات ارسال شده، اما شواهد و اسناد نشان می‌دهد که این مواد صحی هرگز به شفاخانه شیدایی نرسیده و معلوم نیست به کجا رفته است. در تکت توزیع تحویل‌خانه شفاخانه، امضای

در یکی از بل‌های خریداری اجناس، به جای تلویزیون ۸۵ اینچ، تلویزیون ۷۵ اینچ خریداری شده و در پیشنهاد خرید مشخصات جنس ذکر نشده است. مقایسه اسناد خرید نشان می‌دهد که تلویزیون ۷۵ اینچ که با مصارف راه «۱۶۰ هزار» افغانی تمام می‌شود، به قیمت «۱۸۳ هزار» افغانی خریداری شده و «۲۳ هزار» افغانی تفاوت قیمت دارد.

◆ منبع: سیان بی‌سی
◆ نویسنده: گری برنیسون
◆ مترجم: حبیب بهزاد

در جریان ۲۰ سال کار، من هزاران خالص سوانح دریافت کرده‌ام. باور کنید بسیاری از آن‌ها یا خیلی کوتاه، یا خیلی طولانی، یا خیلی خسته‌کننده، یا کاملاً کاپی و یا مملو از مشکلات املائی است. هم‌چنان خواندن و مفهوم‌گرفتن از آن خیلی دشوار و چارچوبش بسیار پیچیده است.

اگر صادقانه برای تان بگویم، بسیاری از رزومه‌ها نتوانسته است، قناعت من را به حیث خواننده حاصل کند. من در مورد این‌که کدام موارد برای نوشتن خالص سوانح بسیار مهم و ضروری است، یک کتاب تحت عنوان (Lose the Resume, Land the job) نوشته‌ام. این کتاب در آمازون قابل دسترس است، در صورت امکان می‌توانید این کتاب را بخوانید؛ اما آنچه که بسیاری از کارشناسان تاهنوز به شما نگفته است و نمی‌گویند، این است که خالص سوانح تان فقط ۱۰ درصد در تصمیم‌گیری استخدام تان نقش دارد.

با این اوصاف، کم‌تر افرادی از پیش چشم آدم‌های سخت‌گیری مثل من عبور خواهند کرد. با آن‌هم چند سال قبل وقتی خالص سوانح تعدادی از افراد را مرور می‌کردم، یکی آن با ترتیب و چینش عالی که داشت، واقعا متأثرم کرد.

در حقیقت، آن بهترین خالص سوانحی بود که من طی ۲۰ سال کارم که مسوولیت استخدام و مصاحبه شغلی کارکنان یک سازمان را به عهده دارم، دیده‌ام. به دلیل این بی‌عیب‌ونقص بودن و کامل‌بودن آن خالص سوانح، هیچ چیزی برای گفتن نداشتم. تنها کاری که انجام دادم این بود که وی را استخدام کنم.

این ۶ نکته، مواردی است که خالص سوانح وی را از متباقی رزومه‌ها متفاوت کرده بود:

۱. خواندن متن و جملات آن خیلی ساده بود

این خالص سوانح دو صفحه بود و فضای سفید مناسب نیز داشت که در آن تحصیلات و ۱۰ سال تجربه کاری و مهارت خود را ماهرانه گنجانیده بود.

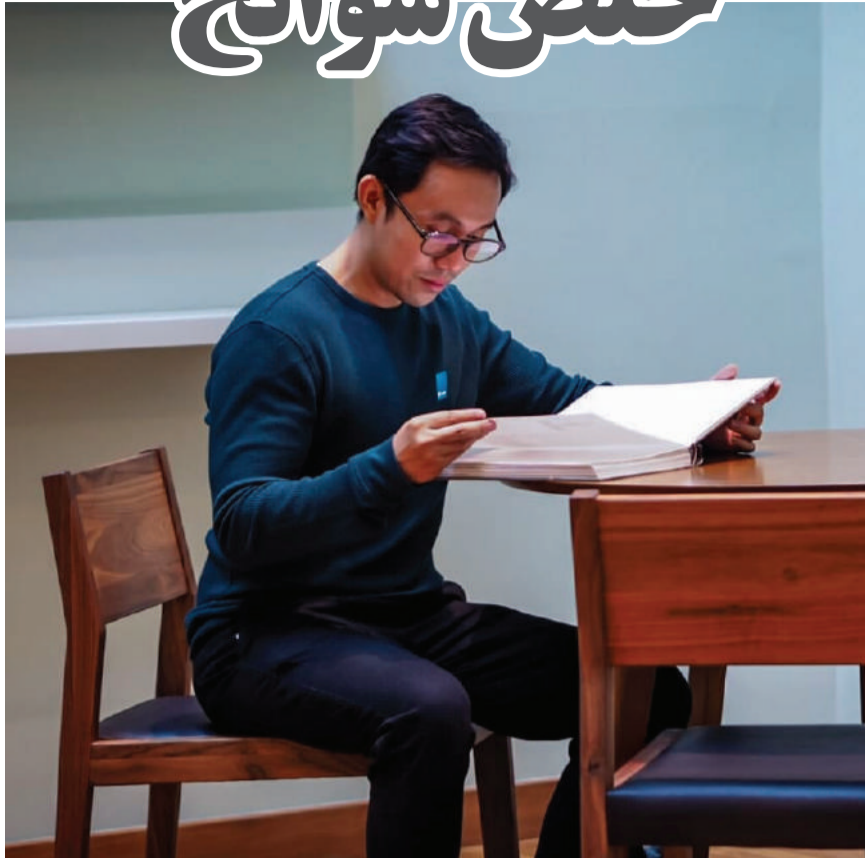
همه‌چیز به صورت منظم و عالی تنظیم شده بود: خط، سایز و فاصله خطوط درست بود. نام شرکت و عنوان شغل به شکل درشت نوشته شده بود. مدت زمان کاری و جزئیات شغل واضح و روشن ذکر شده بود. نام دانشگاه، مدت تحصیل و رشته تحصیلی به ترتیب و مشخص ذکر شده بود. از همه مهم‌تر این‌که مشکلات املائی قابل مشاهده نداشت.

فونت غیرفانتزی و خوانا انتخاب شده بود. بسیاری از نامزدان یا وسواس این‌که از کدام نوع فونت استفاده کنند، وقت‌شان را تلف می‌کنند. من در مورد این‌که کدام نوع فونت را انتخاب می‌کنید، کاری ندارم. اما باید گفت که باید فونتی را انتخاب کنید که متن را ساده و خوانا کند.

۲. سوانح خود را به شکل داستان بیان کرده بود

این خالص سوانح، زنده‌گی کاری و تحصیلی وی را به شکل یک داستان واقعی بیان کرده بود. هیچ خالی‌گاه اطلاعاتی در آن دیده نمی‌شد (حتا وقفه‌های سه‌ماهه کاری را نیز در آن ذکر کرده بود). همه‌چیز را از بالا به پایین، به ترتیب تشریح کرده بود. در آخرین شغلی که داشت تا به اولین شغلش، تشریح کرده بود. از آخرین تا نخستین سند تحصیلی را آشکارا ذکر کرده بود. با

نش نکته تأثیرگذار در خالص سوانح



آن چه را که در رزومه ذکر کرده بود، قابل باور بود. حتا پروفایل لینکدین و وبسایت وی که بیش‌تر کارهای حرفه‌ای انجام داده بود را نیز در خالص سوانح نوشته بود. می‌توانستیم کارهایش را به صورت عملی در وبسایت وی ببینیم. این کار، من را برای بررسی واقعیت‌ها و ادعاهایی که در خالص سوانح ذکر کرده بود، بیش‌تر کمک کرد و دانستم که وی فرد صادق و راست‌کاری است. آن چه که واقعیت داشت را در خالص سوانح خود ذکر کرده بود.

نصیحت مشخص من نیز همین است که همیشه واقعیت‌ها را در خالص سوانح تان ذکر و از هر نوع ادعای اغراق‌آمیز خودداری کنید. روزی یکی از هم‌کارانم قصه می‌کرد که یکی از نامزدان، سوابق جرمی خود را نیز در خالص سوانح خود ذکر کرده بود. سپس به مدیر استخدام زنگ زده و گفته بود، آیا کسی که سابقه جرمی دارد را نیز استخدام می‌کنید؟ بعد از سوال و جواب زیاد، وقتی مدیر استخدام دریافت که وی فرد راست‌گو و صادقی است، او را استخدام کرد. آن چه که گفته می‌شد، این یکی از بهترین استخدام‌هایی بوده که در آن سازمان صورت گرفته است. یعنی اگر ما بتوانیم واقعیت‌ها را بیان کنیم، حتا اگر سابقه جرمی نیز داشته باشیم، مانع استخدام شما شده نمی‌تواند.

در حالی که درج موفقیت‌ها و دست‌آوردهای مهم برای سازمان‌های مشخص، یک مزیت اصلی برای شما خلق می‌کند، اما به یاد داشته باشید که اکثر کارفرماها به سازمان‌هایی که قبلاً کار کرده‌اید زنگ می‌زنند، اگر ادعاهایی که در خالص سوانح ذکر کرده‌اید، غلط ثابت شود، بازی را از دست خواهید داد و شانس استخدام تان به صفر تقرب خواهد کرد.

۵. ادعاهای کلیشه‌ای نداشت

یک نگاه کوتاه دریافتیم که کدام مسیر شغلی را در کدام اداره‌ها پیموده و چگونه در این مسیر رشد کرده است. به عبارت دیگر، لیست تاریخی وظایفی که انجام داده است، نشان می‌دهد که چگونه کار را از مرحله پایینی و با کدام مسوولیت آغاز و در کدام مرحله بلند و مسوولیت‌های متفاوت ایفای وظیفه کرده است. همین قسم، مکتب را از کجا شروع و کدام سطح تحصیلی را تکمیل کرده است.

۳. به جای مسوولیت‌ها، موفقیت‌ها را ذکر کرده بود

من دوست ندارم که شما مسوولیت‌های کاری تان را از شرح شغل خود کاپی و در خالص سوانح خود جابه‌جا کنید. آن چه که مدیران و کارفرماها می‌خواهند، این است که آیا شما واقعا نامزد واجد شرایط و قادر به ارایه نتایج کمی هستید یا نه؟

این فرد در این زمینه نیز عالی عمل کرده بود. به جای مسوولیت‌ها، بیش‌تر موفقیت‌ها و دست‌آوردهای کاری خود را ذکر کرده بود. بهتر است همیشه در خالص سوانح تان مسوولیت‌های تان را با جزئیات از دست‌آوردهای عمده برجسته کنید.

مثلاً، به جای این‌که بگویید: «کارهای عملیاتی را در بازار بین‌المللی توسعه دادم.» بگویید: «کارهای عملیاتی را در ۸ کشور جدید امریکای لاتین توسعه دادم.»

به جای این‌که بگویید: «تیم فروشات و بازاریابی را رهبری می‌کردم.» بگویید: «از تیم بازاریابی و فروشات نظارت می‌کردم و با بودجه ۰.۵ درصد به رشد سالانه ۱۵ درصدی دست یافتیم.»

۴. واقعیت‌ها را بیان کرده بود

چیزی اغراق‌آمیزی در خالص سوانح دیده نمی‌شد.



همیشه واقعیت‌ها را در خالص سوانح تان ذکر و از هر نوع ادعای اغراق‌آمیز خودداری کنید. روزی یکی از هم‌کارانم قصه می‌کرد که یکی از نامزدان، سوابق جرمی خود را نیز در خالص سوانح خود ذکر کرده بود. سپس به مدیر استخدام زنگ زده و گفته بود، آیا کسی که سابقه جرمی دارد را نیز استخدام می‌کنید؟ بعد از سوال و جواب زیاد، وقتی مدیر استخدام دریافت که وی فرد راست‌گو و صادقی است، او را استخدام کرد. آن چه که گفته می‌شد، این یکی از بهترین استخدام‌هایی بوده که در آن سازمان صورت گرفته است. یعنی اگر ما بتوانیم واقعیت‌ها را بیان کنیم، حتا اگر سابقه جرمی نیز داشته باشیم، مانع استخدام شما شده نمی‌تواند.

وی هیچ ادعای کلیشه‌ای و خیلی بزرگ مثل «خلاق»، «سخت‌کوش»، «مهارت ارتباط عالی»، «تیزهوش» و غیره را در خالص سوانح خود نداشت. درج هر یکی از این اصطلاحات کلیشه‌ای باعث می‌شود تا مدیر استخدام شما را در کم‌تر از یک ثانیه زیر ذره‌بین چشم‌هایش بچرخاند. از ذکر صفت‌های کلیشه‌ای و اصطلاحات بیش از حد صرف نظر کنید. به جای آن کوشش کنید روی کارهای عملی متمرکز باشید.

مثلاً، به جای این‌که بگویید: «ارتباط دهنده عالی»، بگویید: «جلسه‌های حضوری با مشتریان دایر کردم، یا در مراسم متفاوت در دانشگاه سخنرانی کردم، یا در مصاحبه‌های متفاوت تلویزیونی شرکت کردم.»

به جای این‌که بگویید: «خیلی خلاق»، بهتر است بگویید: «طراح و تطبیق‌کننده سیستم جدید بازاریابی، یا تطبیق‌کننده و توسعه‌دهنده سیستم آنلاین حاضری.»

۶. وی با استفاده از سفارش‌نامه آمده بود

هیچ‌کسی در شرکت‌های مورد علاقه شان که درخواست کار می‌دهند، شاید کسی را نشناسند؛ اما اگر بتوانید با استفاده از توصیه‌نامه‌ای کسی که توانایی تان را به کارفرما تأیید کند، درخواست کار دهید، بهترین روش برای جلب توجه کارفرما خواهد بود. منظور از معرفی تان به کارفرما، واسطه‌بازی نیست؛ بلکه فردی است که فقط دانش، تجربه، مهارت کاری، صداقت و راست‌کاری تان را تأیید کند.

بسیاری از شرکت‌های خصوصی در جریان جذب سرمایه انسانی، تلاش می‌کنند تا یک فرد آشنا دانش و مهارت آنان را تأیید کند.

یکی از دلایلی که من فایل پی‌دی‌اف خالص سوانح این فرد را مشتاقانه باز کردم و دیدم، توصیه‌ای بود که توسط یکی از هم‌کاران من نوشته شده بود. هم‌کارم از دانش، مهارت، صداقت و درست‌کاری وی برایم قصه کرده بود. اگر در سازمان‌های خصوصی خالص سوانح تان را روان می‌کنید، خوب است قبل از فرستادن رزومه، در مورد آن سازمان تحقیق کنید. اگر دوست یا آشنا در آن سازمان دارید، بگویید که شما را در آن سازمان معرفی کند و سپس خالص سوانح خود را نیز به آدرس آن سازمان بفرستید. در غیر آن روزانه ده‌ها خالص سوانح به آدرس سازمان‌ها فرستاده می‌شود، شاید بسیاری از آن‌ها حتا باز و خوانده نشود.

◆ دکتر نصیراحمد اندیشه

◆ برگردان: پ. کاوه

برای آوردن صلح بود، مورد نقد قرار دارد. در حالی که روند بن آزادی‌ها و حقوق فردی جهان‌شمول را به رسمیت شناخت و تبلیغ کرد، اما نگاه سطحی به این مباحث و ایجاد نهادهای لازمی مرتبط به آن، باعث شد تا عوامل داخلی و خارجی منازعه ۳۰ ساله (در آن زمان) از چشم بیفتند. این عدم توازن میان ایجاد یک نظام پیش‌رو مبتنی بر حقوق و آزادی‌ها از یک سو و ساختار یک دولت متمرکز از سوی دیگر، افغانستان را از مسیر مصالحه ملی، ثبات و صلح پایدار منحرف کرد. به این لحاظ، جدا از غلط مشهوری که به عدم شمولیت طالبان به عنوان یک گروه مغلوب در نشست بن نسبت داده می‌شود، درس‌های مشخص دیگری‌اند که باید در جریان مذاکرات جاری میان دولت افغانستان و طالبان در نظر گرفته شوند.

متن کامل این مقاله تحقیقی را در وبسایت ۸صبح بخوانید. (https://8am.af/two-lasting-lessons-from-the-failure-of-previous-peace-processes-in-afghanistan/)

دودرس ماندگار از ناکامی روندهای پیشین صلح در افغانستان

متن انگلیسی این مقاله اکادمیک در شماره اخیر مجله مطالعات بین‌المللی (صص ۱-۱۳ سال ۲۰۲۰) دانشگاه جواهر لعل نهرو چاپ شده است.

یادداشت: شما فشرده و معرفی مقاله تحقیقی را این‌جا خواهید خواند. برای مطالعه مقاله کامل، به وبسایت ۸صبح مراجعه کنید.

فراهم شده است. در تاریخ معاصر افغانستان، اتفاقی که با وضعیت سیاسی و امنیتی کنونی مشابهت و نزدیکی دارد، روزهای اخیر حکومت داکتر نجیب‌الله و تلاش‌هایش برای دست‌یابی به یک نظم برخاسته از مذاکره در پرتو مشی مصالحه ملی است. تحلیل‌های فراوانی این دو وضعیت را به سبب تشابه‌شان با یک‌دیگر در ابعاد خروج نیروهای خارجی، شدت و گسترش ساحه جنگ، بی‌نظمی درون‌ساختاری و روان‌شناختی سیاسی بازی‌گران اصلی، با هم مقایسه می‌کنند. در مقابل، در اکثر این تحلیل‌ها آگاهی اندکی از محتوای مشی مصالحه ملی و رابطه بالفعل آن با مذاکرات کنونی وجود دارد.

از سوی دیگر، روند بن که بنیاد نظم سیاسی کنونی در افغانستان را گذاشت، به سبب این‌که یک سازوکار آنی، غیرواقعی‌بنانه و مبتنی بر روی‌کرد تکنوکراتیک

روی خصوصیات روندهای صلح در پرتو سیاست مشی مصالحه ملی داکتر نجیب‌الله و هم‌چنان در روشنی روند صلح‌آوری در کنفرانس بن، این مقاله استدلال می‌کند که تغییرات ساختاری معنادار به نفع یک نظام سیاسی فراگیر و مشارکتی در سطح ملی و نهادینه ساختن توازن در منافع منطقه‌ای در سطح روابط خارجی، نقاط عطف برای یک صلح دوام‌دار در افغانستان خواهد بود.

معرفی

پس از آغاز گفت‌وگوهای صلح بین‌افغانی به میانجی‌گری ایالات متحده امریکا در دوحه، برداشت غالب همین است که افغانستان در مقطع حساسی قرار دارد، به گونه‌ای که با وجود چالش‌های فراوان داخلی و بیرونی، دریچه کوچکی از فرصت برای دست‌یابی به یک راه حل برای رفع منازعه طولانی افغانستان

روندهای صلح، فرصت‌های مناسبی را برای تحولات اجتماعی و سیاسی برای ملت‌های در حال جنگ فراهم می‌سازند. نسخه و یا فرمول کاملی برای صلح وجود ندارد. اساس متون موجود، شرایط و زمان «مناسب» برای روند صلح و دست‌یابی به «جوهر» عوامل ریشه‌ای منازعه از عناصر عمده یک توافق‌نامه پایدار اند. در ۳۰ سال گذشته، افغانستان دو مرحله ناکام رسیدن به صلح را پشت سر گذاشت: نخست پس از خروج نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ و دیگری هم پس از براندازی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱. در حالی که عوامل ناکامی مرحله اولی را اساساً به پیچیده‌گی شرایط زمانی آن نسبت می‌دهند، اما ناکارایی مورد اخیر بیش‌تر مرتبط به ارج‌گزارگی به ضرب‌الاجل‌های تحمیل شده به جای مشورت‌های فراگیر و هم‌چنان نبود توافق کافی در توافق‌نامه بن بود. با مرور مختصر



در میان تمامی این روایت‌ها، با مردانی مواجه شده‌ام که بار سنگینی از سوگ و سکوت را به دوش می‌کشیدند؛ سکوت ناشی از یک باور غلط و جنسیت‌زده به احساسات که معتقد است یک مرد نباید گریه کند. ذاکر یکی از آن‌ها است، مردی میان‌سال با لهجه شمالی که از چشمانش غم می‌بارد، اما کوشش می‌کند خود را از دست ندهد. تقلا می‌کند، اما گاهی در بین صحبت‌ها نمی‌شود خود را کنترل کرد، مخصوصاً آن‌جا که او مانده و سه جنازه‌ای که باید به تنهایی بر دوش بکشد، صورتش را برمی‌گرداند، کلاهش را از سر برمی‌دارد و اشک‌هایش را پاک می‌کند.



آسیه حمزه‌ای

بر دوش بکشد، صورتش را برمی‌گرداند، کلاهش را از سر برمی‌دارد و اشک‌هایش را پاک می‌کند. می‌گوید: «طالبان را نمی‌بخشم!» ذاکر در حمله شبانه طالبان بر روستای «دالان» ولسوالی شولگره بلخ سه عضو خانواده‌اش را از دست داده است. روایت خیلی دور نیست، فقط چند ماه پیش، روزهای آخر ماه حمل. روستای دالان شولگره حمله کردند. فردای آن روز اعلامیه‌های خبری، حاکی از درگیری میان طالبان و نیروهای خیزش مردمی بود. ساکنان دالان اما چیز دیگری می‌گویند، این‌که هدف طالبان، پاسگاه‌های خیزش مردمی نبوده، بلکه غیرنظامیان در چهاردیواری خانه‌هایشان بوده‌اند. در آن حمله برادر، خواهرزاده و یک عضو دیگر از خانواده ذاکر جان باختند.

دالان، قریه‌ای واقع شده در میان شولگره و چهارکنت که نامنی‌های زیادی را همواره شاهد بوده است. یک نمونه آن همان روزهای پایانی ماه حمل است که طالبان مسلح دروازه خانه‌ها را می‌زدند و عشر و زکات می‌خواستند. ضرب‌الاجل برای پرداخت عشر و زکات‌ها از سوی آن‌ها اعلام می‌شود، اما کار به پایان ضرب‌الاجل نمی‌رسد و حمله شبانه صورت می‌گیرد. بهار بود و فصل کشت‌وکار. امید ساکنان دالان برای یک سال پربرکت، همین بهار است. هر چند نامنی بر

این روستا و قریه‌های اطراف سایه انداخته، اما انتظار به فردای بهتر هنوز در وجود این مردم سوسو می‌زد. محمداظهر قرار بود در روزهای آینده پدر شود، جواد ۱۸ ساله آماده‌گی رفتن به دانشگاه گرفته بود و محمد هم روزهای عادی خود را در میان کشت‌زارها سپری می‌کرد.

در آن روزها، ذاکر در کابل بود. آخرین اخباری که از خانواده نسبتاً پرجمعیتش در دالان داشت، به او اطمینان داده بودند که تا حدودی همه چیز بر وفق مراد است. به محمداظهر برادرش، جواد خواهرزاده‌اش و محمد پسر عمه‌اش وعده داد بود که دست پُر به قریه آبایی‌اش باز خواهد گشت. چند تجلیل در راه بود، ورود به دانشگاه، قدم نو رسیده و جشن شکرانه‌گی کشت‌وکار.

بیست‌وهشتم حمل ۱۳۹۹ سروصدایی در دالان برپا شد؛ دق‌الباب‌های کوبنده و قهرآمیز و فریادهایی خشن. طالبان مسلح عشر و زکات می‌خواستند. چندی قبل هم این موضوع تکرار شده بود و تلاش قریه‌داران دالان برای حل این مشکل از طریق حکومت محلی در مزار شریف بی‌نتیجه ماند. ضرب‌الاجل تعیین شد، فقط تا سی‌ویکم ماه حمل. یک و دو روز در رعب گذشت، شماری از ساکنان روستا، شبانه ترک خانه و کاشانه کردند و شماری هم ماندند. خانواده ذاکر در دالان ماند. شب بود و فردا پایان مهلت. دقایقی مانده به بامداد،

سه جنازه بر دوش یک مرد؛ «منی طالبان را نمی‌بخشم»

همه ناگهان با صدایی مهیب از خواب برخاستند. حمله شده بود. صدای مرمی‌های هوایی و راکت‌پرانی‌ها یکی پس از دیگری به گوش می‌رسید. مردان، زنان خانواده را در پستویی پناه دادند که ناگهان قسمتی از سقف با صدایی مخوف آوار شد بر محمداظهر، جواد و محمد. دیگران جان سالم به در بردند، اما پیکرهای این سه تن در چهاردیواری خانه‌شان غرق در خون شد. در همان حال هم مرمی‌های هوایی فرود می‌آمد. نیمه‌های شب تلفن ذاکر زنگ خورد. نازیه بود، همسر برادرش. گفت: «لالا، طالبان حمله کدن، بیا که مردهای خانه ره کشتن!»

اوج همه‌گیری کرونا بود و قرنطین. ذاکر به هر موتوروانی زنگ می‌زد، ولی کسی در آن نیمه‌شب به طرف مزار نمی‌رفت. نمی‌دانست چه باید بکند، فقط هر چند دقیقه تلفنی به خانواده‌اش در دالان زنگ می‌زد. از هر ۱۰ بار یک بار وصل می‌شد. فردای آن روز خود را به دالان رساند. روستای تقریباً خالی از سکنه، رخت سیاه به تن کرده بود. در آن حمله نه نفر جان باختند که سه تن از آن‌ها از خانواده ذاکر بودند. رفت‌وآمد ممکن نبود. برخی از اقوام، نتوانستند خود را برسانند. در دالان هم کسی نمانده بود که ذاکر را یاری کند. صدای ناله زنان از داخل خانه و سه جنازه خونین روی حویلی و ذاکر که باید هر سه را به تنهایی بر دوش می‌کشید.

حالا پس از چندین ماه، ذاکر هنوز به روزهای عادی زنده‌گی برنگشته است. فشارهای روحی‌اش در میان صحبت را در بازی با دستانش پنهان می‌کند. می‌گوید: «فقط چند روز تیر شده بود که برادرزاده‌ام به دنیا آمد، حالی نه‌ماهه است.» باز هم کلاهش را از سر برمی‌دارد، صورتش را پاک می‌کند و ادامه می‌دهد: «نه ظاهر ماند که طفلش ره ببینه، نه جواد ماند که محصلی‌اش ره تجلیل کنیم و نه محمد ماند، خی کشت‌زارها بی‌محمد چه خاد شد؟ مه چه قسمی طالبان ره ببخشم؟ ای که در هر حمله چه سر خانواده‌های بی‌گناه میارن، قابل بخشش است؟ اگه تیم مذاکره‌کننده و صلح یک پروژه و معامله نیس، خی از طرف ما هر گپی ره نزنن، صدای خود ما ره به طالبان انتقال بتن. مه خو نمی‌بخشم... طالبان ره به والله نمی‌بخشم.»

قصه فقط قصه پرغصه پایتخت نیست، روایت‌ها هم انگشت‌شمار نیست، پیکرهای مرمی‌خورده و خونین و پاشان شده در زیر خاک هم کم نیست. آلام التیام نیافته بازمانده‌گان هم هر روز بیش‌تر می‌شود. این داغ در این سرزمین سرد نمی‌شود. مادامی که هنوز پسر به خاک سپرده نشده، برادر کشته می‌شود و تا وداع با برادر تمام نشده، دیگری به خاک می‌افتد و این دور تسلسل وداع‌های ناخواسته و اجباری چه زخمی زده بر قربانیان جنگ. یک روز قصه زنی در کابل است، روز دیگر مردی در مشرفی، روز دیگرش کودکی در شمالی و در آخر روز از مرگ ما فقط اعداد می‌ماند، چند کشته و چند زخمی...

در میان تمامی این روایت‌ها، با مردانی مواجه شده‌ام که بار سنگینی از سوگ و سکوت را به دوش می‌کشیدند؛ سکوت ناشی از یک باور غلط و جنسیت‌زده به احساسات که معتقد است یک مرد نباید گریه کند. ذاکر یکی از آن‌ها است، مردی میان‌سال با لهجه شمالی که از چشمانش غم می‌بارد، اما کوشش می‌کند خود را از دست ندهد. تقلا می‌کند، اما گاهی در بین صحبت‌ها نمی‌شود خود را کنترل کرد، مخصوصاً آن‌جا که او مانده و سه جنازه‌ای که باید به تنهایی



کرونا چهره خوب هم دارد؟

باهم‌بودن و مهربان‌زیستن: کووید-۱۹ سبب شد که ما قدر هم‌دیگر را بدانیم و ارزش باهم‌بودن، مهربان‌زیستن و یک‌جا زنده‌گی کردن را درک کنیم. رعایت فاصله اجتماعی این درک را به ما داد و فهماند که باهم‌زیستن و یک‌جا بودن نعمت بزرگی است و باید قدردان هم‌دیگر باشیم.

۳- دوری از خانواده و عزیزان: به خاطر فاصله اجتماعی و قطع زنجیره انتقال بیماری، دیرزمانی از خانواده و عزیزان مان دور مانده‌ایم. به دیدار مادر، پدر، خواهر، برادر و دوستان مان نرفته‌ایم و از دورهمی‌ها بازمانده‌ایم.

۴- کاهش تدریس و آموزش: کرونا سبب شد مکاتب و مدارس ما بسته شود، اطفال به مکتب رفته نتوانند و دانشجویان از فراگیری علم و دانش در دانشگاه باز بمانند. در افغانستان به خاطر مدیریت ضعیف و نبود اینترنت مناسب و فعال، آموزش مجازی کارساز و موثر نبوده است.

۵- تغییر در روش: تا هنوز معلوم نیست که کووید-۱۹ چگونه به وجود آمد و چگونه جهان را این‌گونه آشفته ساخت. برآیند این آشفته‌گی و درمانده‌گی این است: حملات بیولوژیکی بسیار قدرت‌مند و فلج‌کننده است. در آینده ممکن است جنگ‌ها بیولوژیکی شود. با تمام این بدی‌ها و تبعات شوم، باید امیدوار بود. باید امید و دید مثبت داشت. باید چشم انتظار جهان عاری از کرونا و جنگ و نیز افغانستان آرام بود. باید چشم‌به‌راه صلح نشست؛ صلحی که رفاه، آزادی و شکوفایی را برای افغانستان به ارمغان می‌آورد.

۴- باهم‌بودن و مهربان‌زیستن: کووید-۱۹ سبب شد که ما قدر هم‌دیگر را بدانیم و ارزش باهم‌بودن، مهربان‌زیستن و یک‌جا زنده‌گی کردن را درک کنیم. رعایت فاصله اجتماعی این درک را به ما داد و فهماند که باهم‌زیستن و یک‌جا بودن نعمت بزرگی است و باید قدردان هم‌دیگر باشیم.

بدهای کرونا

۱- کاهش اقتصاد: شاید نتوانید به خاطره و حافظه‌تان سالی را پیدا کنید که در آن مردم چون ۲۰۲۰ بی‌کار بوده باشند. در این سال صنعت گردش‌گری به خاطر ممنوعیت تجمع و گشت‌وگذار، بسیار آسیب دید. تنها سالی که شاید بدتر از ۲۰۲۰ بوده باشد، سال ۱۹۳۳ است که در آن از هر سه تن در آلمان یکی بی‌کار بود.

۲- فقدان عزیزان: از آثار شوم کرونا، از دست‌دادن عزیزان و خوبان است. کووید-۱۹ سبب شد که عزیزان و دوستان مان را از دست بدهیم.

است که جهان از گسسته‌گی به پیوسته‌گی رسیده است. هر اتفاق و رخدادی در یک بخشی از این جهان، بر کشورهای دیگر تأثیر می‌گذارد. کووید-۱۹ سبب شد که ناسیونالیسم مخدوش و فکر انحصارگرایی و تنگ‌نظری کنار گذاشته شود. کرونا ثابت ساخت که جهان وطن همه است، همه وابسته این جهان‌اند و در جهان امروزی، تصمیمی در غرب بر شرق نیز تأثیر می‌گذارد.

۳- آموزش مجازی: یکی دیگر از تبعات نیک کووید-۱۹، توجه به آموزش مجازی است. درست است که آموزش مجازی فعلی موثریت آموزش حضوری را ندارد؛ اما توجه به آموزش مجازی و سرمایه‌گذاری روی آن برای آینده جهان موثر خواهد بود. بنابراین کرونا تجربه خوب برای بهترشدن آموزش مجازی بود. اکنون می‌توان از فرصت‌هایی که قبل از این پشت چراغ‌های ترافیک تلف می‌شد، به درستی استفاده کرد. هم‌چنان با همه‌گیری کرونا مردم به کتاب رو آوردند و صنعت چاپ رونق گرفت.

چندی پیش سال ۲۰۲۰ جایش را به ۲۰۲۱ داد. ۲۰۲۰، سال غوغای جهان بود. در نظر بسیاری از مردم، ۲۰۲۰، سال منحوس کره زمینی بوده است. دلیل عمده این نگاه تنفرآور نسبت به ۲۰۲۰، کرونا است؛ کرونا که بعداً توسط سازمان صحت جهانی به کووید-۱۹ تغییر نام داد. این ویروس وضعیت رقت‌بار و اسفناکی را در جهان به وجود آورد. اما کرونا در کنار بدی‌هایش، آثار و تبعات خوب و نیک هم داشته است. در این نوشتار به تبعات نیک و بد کرونا اشاره می‌شود.

خوبی‌های کرونا

۱- تمرکز به صحت و سلامت: از بهترین آثار کرونا این است که انسان‌ها را مجبور کرد تا به فکر صحت و سلامت‌شان باشند. به دلیل شیوع کرونا بود که امریکا تصمیم گرفت، بزرگ‌ترین لابراتوار جهانی را بسازد و نیز به سبب همین ویروس است که کشورها به دنبال بازسازی نظام صحتی‌شان اند.

۲- جهان وطنی: مقصود ما از جهان وطنی این

حفیظ الله محمدی

دیر بخش ویدیو: دیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعب حکیمی، پرویز کامروز
ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی
پدیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: تایمینی، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسئول: مجیب مهرداد mujib_mehrdad@yahoo.com
سر‌دبیر: خلیل اسیر 8am.daily@gmail.com
دبیر گزارش‌ها: حسیب بهش
دبیر بخش خبر: علی شاه حقمیل
دبیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad mujib_mehrdad@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af

1. انجام معاملات جمعی در حسابات بانکی عزیز بانک در یک وقت
2. تایید معاملات توسط چندین صلاحیتدار حساب به شکل سلسله مراتب
3. تایید معاملات گروهی توسط هر یک از صلاحیتدار حساب



عزیز بانک
Azizi Bank



امریکا معافیت عراق از تحریمهای ایران را تا سه ماه دیگر تمدید کرد



شد. با این حال چنین معافیتی مشکلات بغداد در حوزه انرژی را رفع نمی‌کند. تهران خواستار دریافت بهای گاز صادراتی‌اش به عراق شده که حدود ۶ میلیارد دلار است و اخیراً به خاطر عقب افتادن این وام، صادرات انرژی به عراق را کاهش داده است. معافیت‌های آمریکا اگرچه این اجازه را به عراق می‌دهد که بدون نگرانی از مجازات بتواند از کشور همسایه‌اش گاز و برق وارد کند، اما هم‌چنان مشکل پرداخت پول آن به ایران وجود دارد، چرا که واشنگتن اجازه پرداخت دلار به ایران را نمی‌دهد؛ ارزی که تهران به شدت به آن نیاز دارد.

ایالات متحده اواخر سال ۲۰۱۸ با تشدید تحریم‌ها علیه ایران، صنعت انرژی این کشور را به لیست سیاه خود اضافه کرد، اما از همان زمان به بغداد یک سری معافیت‌ها اعطا کرد، با این امید که عراق بتواند از طریق شراکت با شرکت‌های آمریکایی از منابع انرژی ایران بی‌نیاز شود. معافیت‌های جدید با ماه‌های آغازین دولت جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده، همراه می‌شود که روز ۲۰ جنوری، مقارن با اول دلو، در کاخ سفید مستقر می‌شود. یک مقام عراقی به شرط عدم انتشار نامش به خبرگزاری فرانسه گفت، معافیت جدید که از معافیت‌های قبلی طولانی‌تر است، پس از «گفت‌وگوهای مفصل» ممکن

به گزارش رادیو فردا، مقام‌های عراقی می‌گویند که ایالات متحده برای سه ماه دیگر به این کشور اجازه داده تا به رغم تحریم‌های واشنگتن علیه تهران، گاز ایران را وارد کند. عراق که به خاطر سال‌ها جنگ و رسیده‌گی ضعیف به تجهیزات زیربنایی‌اش قادر به تامین نیازهای جمعیت ۴۰ میلیونی خود نیست، برای تامین یک سوم انرژی مورد نیازش از ایران گاز و برق وارد می‌کند. خبرگزاری فرانسه روز دوشنبه، ۱۵ جدی، در گزارشی نوشت که معافیت سه‌ماهه عراق از تحریم‌های آمریکا علیه ایران، با استقبال این کشور مواجه شده که به شدت متکی بر ذخایر انرژی همسایه خود است.



ایران: کوریای جنوبی بیش از هفت میلیارد دلار ایران را گروگان گرفته است

علی ربیعی، سخنگوی دولت ایران، روز سه‌شنبه دولت کوریای جنوبی را متهم کرد که «به بهانه واهی» بیش از هفت میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران را «گروگان گرفته» است. به گزارش رادیو فردا و به نقل از خبرگزاری فارس، پس از آن‌که دور روز پیش رسانه‌های ایران از توقیف کشتی کوریای جنوبی در خلیج فارس توسط نیروی دریایی سپاه پاسداران خبر دادند، آقای ربیعی این اظهارات را در یک نشست خبری آنلاین و در توضیح ارتباط احتمالی توقیف کشتی با پول بلوکه شده ایران، بیان کرد.

سخنگوی دولت ایران گفت: «اگر کسی گروگان‌گیر باشد، دولت کوریا است که به بهانه واهی بیش از هفت میلیارد دلار ما را گروگان گرفته. توقیف بنا به حکم قضایی بوده که آلودگی نفتی در خلیج فارس داشته و در دنیا مرسوم است.» نیروی دریایی سپاه پاسداران نیز در اطلاعیه‌ای ضمن تایید توقیف کشتی کوریای جنوبی، دلیل آن را «آلودگی نفتی و مخاطرات زیست‌محیطی» عنوان کرد. در مقابل کوریای جنوبی ادعای سپاه پاسداران را رد کرده و خواستار آزادی خدمه این کشتی شده است. اما توقیف این کشتی متعلق به کوریای جنوبی درست در آستانه سفر قائم‌مقام وزارت خارجه کوریای جنوبی به ایران برای گفت‌وگو درباره بدهی این کشور به تهران رخ داده است.

خبرگزاری رويترز گزارش کرده که پس از این اقدام ایران، برنامه سفر این دیپلمات ارشد به تهران اکنون در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

بر اساس این گزارش، وزیر خارجه کوریای جنوبی، سفیر ایران در سئول را احضار کرده و خواستار آزادی فوری ۲۰ خدمه این کشتی و رفع توقیف آن شده است. با این حال کوریای جنوبی اعلام کرده که در اسرع وقت یک هیات بلندپایه دیپلماتیک را برای حل مسایل بین دو کشور و فراهم کردن زمینه رفع توقیف این کشتی و آزادی خدمه آن، به تهران اعزام خواهد کرد. براساس اطلاعیه سپاه پاسداران ایران، کشتی توقیف شده حامل ۷۲۰ تن اتانول بوده است و خدمه بازداشت شده آن هم از ملیت‌های کوریای جنوبی، اندونزی، ویتنام و میانمار هستند.

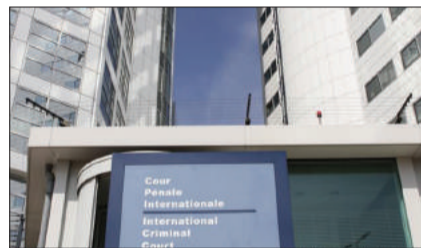
یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا که نامش فاش نشده، نیز به توقیف این کشتی از سوی ایران واکنش نشان داده و در بیانیه‌ای اعلام کرده است: «رژیم (ایران) به عنوان بخشی از تلاش‌های آشکارش برای اخذی از جامعه بین‌الملل در راستای کاهش فشار تحریم‌ها، حقوق و آزادی تردد دریایی در خلیج فارس را تهدید می‌کند.»

کوریای جنوبی در پی تحریم‌های آمریکا، پول نفتی را که از ایران خریداری کرده بود، بلوکه کرده و تهران از این منابع تنها می‌تواند برای خرید کالاهای انسان‌دوستانه از کوریای جنوبی استفاده کند. پیش از این گزارش‌هایی مبنی بر احتمال خرید واکسین کرونا توسط این پول‌ها از کوریای جنوبی از سوی شماری از مقام‌های ایران مطرح شده بود.

دادگاه امریکایی مانع اجرای فرمان ترمپ برای تحریم وکلای دیوان لاهه شد

در پرونده بررسی جنایات جنگی در افغانستان نیروهای طالبان، نظامیان دولتی افغانستان و هم‌چنین نیروهای ارتش آمریکا متهم شده‌اند که در افغانستان علیه غیرنظامیان جنایات جنگی انجام داده‌اند.

در پی این تصمیم، دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با صدور دستوری، مقام‌های دادگاه کیفری بین‌المللی را تحریم کرد. او این مقام‌ها را تهدید کرد که اگر آن‌ها بدون رضایت واشنگتن درباره عمل‌کرد سربازان آمریکایی در افغانستان تحقیق کنند، از سوی آمریکا تحت مجازات‌های اقتصادی قرار خواهند گرفت. طبق این حکم، دارایی‌های این مقام‌ها در آمریکا مسدود شده و محدودیت‌هایی نیز در صدور ویزای آمریکا برای آنان و بسته‌گان‌شان اعمال شد. صدور این دستور واکنش‌های جهانی را به همراه داشت. اتحادیه اروپا و نهادهای حقوق بشری این تحریم‌ها را مورد انتقاد قرار داده و آن را موجب نگرانی و «نقض قوانین بین‌المللی» خواندند.



است، اما «نگرانی در مورد امنیت ملی نباید تبدیل به طلسمی برای دفع اتهامات ناخوشایند شود.» حوت سال گذشته قاضی‌های دیوان لاهه موافقت خود را با آغاز تحقیقات در مورد جرایم احتمالی در جنگ افغانستان (از سال ۲۰۰۳ تاکنون) اعلام کردند. این دیوان یک دادگاه دایمی است که در سال ۲۰۰۲ برای رسیده‌گی به جرایم بزرگ در سطح جهان از جمله نسل‌کشی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت تشکیل شد.

به گزارش دوپچه‌وله فارسی، یک قاضی آمریکایی علیه دستور ترمپ برای تحریم وکلایی که با دیوان کیفری بین‌المللی همکاری می‌کنند، حکم صادر کرد. این دیوان در مورد احتمال ارتکاب جنایات جنگی در افغانستان توسط نیروهای آمریکایی تحقیقات خود را شروع کرده است. کاترین پولک فایلا، قاضی دادگاه منطقه‌ای در نیویورک، روز گذشته با صدور حکمی دستور دونالد ترمپ برای تحریم چهار استاد حقوق را که از دادگاه‌های رسیده‌گی به پرونده‌های ارتکاب جنایت جنگی توسط سربازان آمریکایی در دیوان کیفری بین‌المللی لاهه حمایت می‌کنند، لغو کرد.

قاضی پولک فایلا در حکم خود استدلال کرده که این دستور نقض قانون آزادی عقیده است که در قانون اساسی آمریکا آمده است. این قاضی آمریکایی گفته متوجه است که دولت آمریکا خواهان دفاع از سیاست خارجی خود

ابراز نگرانی چین و جاپان درباره غنی‌سازی ۲۰ درصدی یورانیوم در ایران

پس از سه سال بحران روابط، امیر قطر وارد عربستان سعودی شد

به گزارش رادیو فردا، پس از گذشت سه سال از بحران در روابط بین قطر و دیگر کشورهای عرب خلیج فارس، شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، روز سه‌شنبه، ۱۶ جدی، وارد ریاض شد.

امیر قطر بامداد سه‌شنبه برای شرکت در نشست شورای همکاری خلیج فارس وارد فرودگاه «الغلا» در شمال غرب عربستان شد و بنا بر گزارش‌ها، محمد بن سلمان، ولی‌عهد عربستان، در آن‌جا «به گرمی» از او استقبال کرده است. عربستان سعودی و سه متحدش، شامل مصر، امارات متحده عربی و بحرین، با متهم کردن قطر به نزدیک شدن به ایران، حمایت از تروریسم و پشتیبانی از گروه‌های افراطی از جمله داعش و القاعده، از اواسط سال ۲۰۱۷، روابط دیپلماتیک و تجاری خود را با این کشور قطع کرده و تمامی راه‌های زمینی، هوایی و دریایی‌شان را با قطر بستند.

اما در یکی از تازه‌ترین موارد از سلسله توافق‌های اخیر در خاورمیانه که با پی‌گیری و میانجی‌گری واشنگتن به دست آمده، یک مقام ارشد دولت دونالد ترمپ در روزهای اخیر از «پیشرفت قابل توجه» در دستیابی به راه حلی برای مناقشه قطر خبر داده است.

که بنا است از بیستم جنوری راهی کاخ سفید شود، پیش از این گفته بود که کشورش تنها در صورتی که «ایران رعایت تعهداتش را جدا از سر بگیرد» حاضر است به برجام برگردد.

ایران در سال ۲۰۱۹ میلادی، یک سال پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده از توافق هسته‌ای با این کشور، خروج مرحله‌به‌مرحله از تعهدات برجامی خود را آغاز کرد. هدف اصلی برجام، به تعویق انداختن زمانی بود که ایران برای رسیدن به امکان تولید سلاح هسته‌ای به آن نیاز دارد و در ازای آن بنا بود که آن بخش از تحریم‌های جهانی علیه ایران که به برنامه هسته‌ای این کشور مربوط بود، لغو شود.



به گزارش یورونیوز، دولت چین روز سه‌شنبه در واکنش به غنی‌سازی ۲۰ درصدی یورانیوم در ایران، خواستار آرامش و خویشن‌داری همه طرف‌ها شد.

هوا چوینینگ، سخنگوی وزارت خارجه چین، وضعیت هسته‌ای ایران را «بسیار پیچیده و حساس» خواند و گفت: «چین از تمامی طرف‌ها می‌خواهد تا آرامش و خویشن‌داری پیشه کرده، به تعهدات برجام وفادار بمانند و از کارهایی که ممکن است به تنش‌ها دامن بزنند، پرهیز کنند تا برای کار دیپلماتیک و تغییر وضعیت فضا فراهم شود.»

خانم چوینینگ تأکید کرد: «نخستین وظیفه ضروری تمامی طرف‌ها آن است که ایالات متحده را وادار کنند تا به شکل بی‌قیدوشرط به این توافق برگردد و تمامی تحریم‌های مربوط به آن را لغو کند.» وی افزود که این کار، توافق را به «مسیر درست» باز می‌گرداند.

جاپان نیز درباره از سرگیری غنی‌سازی ۲۰ درصدی یورانیوم در ایران ابراز نگرانی کرد. سخنگوی دولت جاپان اعلام کرد: «دولت ما به شدت نگران این حرکت است که نوعی نقض توافق هسته‌ای به شمار می‌رود.» جو بایدن، برنده انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده